

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا...» (انعام، ۱۴۵) بر براهنت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمره

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات براهنت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «براهنت شرعیه» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش ندرج نشده است. نمی‌توان این فقیه را قیاس کرده با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نعی براهنت شرعیه، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة إنما تشمل حالة الشك البدوي لا الشك بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلحظ الشبهات الحكمية ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ س ۷ - ۲ نمره

جواب: اشکال شده که ادله براهنت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمی و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمی نمی‌توان براهنت شرعیه جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم اجمالی» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این مابقی بدوی است] محل اجرای براهنت شرعی است.

۹- برخی از ادله «براهنت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحوص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحوص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله براهنت شرعیه ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحوص به دست می‌آمده است. [مثلاً آیه «و ما كنا معذبين حتى نعت رسولاً» که برای اثبات براهنت شرعیه به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحوص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحوص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمی، این علم اجمالی با «فحوص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل براهنت است. پس بدون فحوص، محلی برای اجرای اصل براهنت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلم، در روز قیامت از مکلف می‌پرستند: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا شده در] دلیل براهنت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحوص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلاف این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم برای تنجز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل براهنت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود: اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن». مطلب در اینجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] براهنت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - محال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

# امتحانات مرکز عمومی (دع)

اصول فقه ۱-۲  
۹۵ صفحه  
۲۰۰۰ عدد

مهر ۱۳۸۵

کتاب	۹۱۲۲۱/۱۸
مجله	۱۳۹۶/۱۰-۲۲۷
اصول فقه ۴	
کتاب	دروس فی علم الأصول (حلقه ثانی)
تیت	راشدی درس ۲۲۱ تا ۲۲۱ (ص ۲۲۱-۲۱۵)

ردیف	تاریخ	موضوع	محل
۱	۲۰	اصول فقه	مهر
۲	۲۱	اصول فقه	مهر
۳	۲۲	اصول فقه	مهر

کتاب: ... نام: ... شماره: ... کلاس: ...

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر برائت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

- الف. آن وحدۃ السیاق مقتضی کون المصادیق من سنخ واحد.  ص ۲۲۴
- ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهراً بمعنى تأمین الشاک.
- ج. الاطلاق يقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعية والحکمية.
- د. يمكن ان يُراد بـ «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کلتا الشهتين.

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

- الف. محال عقلاً- محال عقلاً
- ب. ممکن عقلاً- محال عقلاً
- ج. ممکن عقلاً- محال عقلاً
- د. ممکن عقلاً- ممکن عقلاً

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم؛ آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة»، حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

- الف. وجوب موافقت قطعیه - وجوب موافقت قطعیه
- ب. جواز مخالفت قطعیه - وجوب موافقت احتمالیه
- ج. جواز مخالفت احتمالیه - جواز مخالفت احتمالیه
- د. وجوب موافقت احتمالیه - وجوب موافقت قطعیه

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلبه أن الحادث ببقی» استوار است؟ ص ۲۴۷

- الف. قاعده یقین
- ب. قاعده تجاوز
- ج. اصل استصحاب
- د. قاعده مقتضی و مانع

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض البقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

- الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظانناً بالحدث.
- ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن اقتضه ببقین آخر».
- ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.
- د. لا؛ لان الشک لا یشمل الظن وضعاً.

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

- الف. ورود دلیل محرز بر اصل
- ب. حکومت دلیل محرز بر اصل
- ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.
- د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلانية و استحباب معاقبة الامر في المجتمعات العقلانية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم النائيني  $\text{علیه السلام}$  و جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$  را بنویسید. ص ۲۱۶ س ۸

جواب: استدلال مرحوم النائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیله‌ی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبح می‌شمرند (و حدود حق اطاعت مولای عرفی را تکالیف قطعی و معلوم می‌دانند لذا محدوده حق اطاعت شارع هم تکالیف قطعی و معلوم است) بنابراین عقاب شارع همانند مولای عرفیه زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$ : قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت مولای عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت اُمرأ و مولای عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل و سمت و سبب دائره آن معلوم می‌شود که عادتاً در حدود تکالیف مقطوعه جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکوینی می‌باشد، لذا مضمیق بودن دائره حق مجعول، ملازم با مضمیق بودن دائره حق ذاتی تکوینی نمی‌باشد بلکه برای تحدید دائره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تمعین است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را بنویسید. ص ۲۲۴ س ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یظفون و ما استظروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما» در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$  بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۸ و ۲۴۷

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است، زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بتوان در اطرافه برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این ممسیت جرم است شرعاً و قبح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$ : باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعدة منجزية العلم الاجمالی ان یكون کل من العرفین مضمولاً فی نفسه لدلیل اصل البراءة یقطع النظر عن التعارض» را توضیح داده، مثالی بزنید که این رکن در آن موجود نباشد. ص ۲۵۲ و ۲۵۰

جواب: یکی از شرایط منجزیت و حیثیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیص (برائت) جاری کرد، در حقیقت بواره‌ی است که می‌گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف]، اصل برائت را قی حد نفسه بپذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می‌شود لذا علم اجمالی منجز نیست، مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو طرف داشته باشیم و یکی از آنها خارج از محل ابتلا باشد، طرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود. پس برائت در طرف دوم معارض ندارد.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

جواب: قاعده‌ی مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی متلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می‌گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه.

وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دوام مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتقای مانع گذاشته می‌شود و لذا مقتضای یعنی موت ثابت می‌شود.

فرق: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متضادند تعلق می‌گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلق یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «علیه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است»، ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می‌ماند» است.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند، مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر یافته داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

جریان عرفی معروض است...  
استصحاب منقسم است به دو قسم اولی و ثانی

## امتحانات مشترک عمومی (سطح ۲)

فصل اول ۹۲-۹۳  
۹۹ بهار  
۹۴ خرداد

کتابخانه	۲۹۲۱/۲۶
تاریخ	۱۳۹۲/۱۰/۲۲
موضوع	اصول فقه ۲
کاتب	المطبعة الثانية (مهدی صدر زاده)
صفحه	از تعداد درس ۴۲۱ پایان کتاب (ص ۳۲۱-۳۱۵)

رویه	
تعداد سوالات	۱۰ صبح / ۱۰ عصر
تعداد پاسخ صحیح	۱۰
تعداد پاسخ نادرست	۱۰
تعداد پاسخ صحیح	۱۰
تعداد پاسخ نادرست	۱۰

نام و نام خانوادگی: ..... شماره پرسنلی: ..... کد ملی: ..... شماره شناسنامه: .....  
نام خانوادگی: ..... شماره پرسنلی: ..... کد ملی: ..... شماره شناسنامه: .....

۱- به نظر شهید صدر  $\llcorner$  قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۳۹

- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی   
 ب. برائت عقلی و برائت شرعی   
 ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی   
 د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطه ی خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰

- الف. تکلیف - برائت   
 ب. تکلیف - اشتغال   
 ج. مکلف به - برائت   
 د. مکلف به - اشتغال

۳- در مثال «إذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إِمَّا هذا الفعل أو فعلٍ آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإتيان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتاً، فالتكليف لا يعلم ثبوته فعلاً» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۵۳

- الف. الركن الأول   
 ب. الركن الثاني   
 ج. الركن الثالث   
 د. الركن الرابع

۴- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلى حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می شوند و شک می کند که «هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸

- الف. استصحاب مجهولة التاريخ   
 ب. استصحاب کلی قسم سوم   
 ج. استصحاب تدریجیات   
 د. استصحاب تعلیقی

۵- مثال «إذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت فشك يوم الأحد في نجاسته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۲۶۷

- الف. اصل برائت   
 ب. قاعده یقین   
 ج. اصل استصحاب   
 د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین «ادله برائت عقلی» با «ادله خبر واحد» به چه نحو است؟ ص ۳۰۵

- الف. ظاهر و نص   
 ب. مورود و وارد   
 ج. عام و خاص   
 د. محکوم و حاکم

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ عَزْمًا...» (عام، ۱۱۲۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده. شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲۲۱ نمره

جواب: در این آیه، خداوند تعالی نحوه محابّه [و مباحته] با عبود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی] کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن خصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و بآس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعية هو أنّ هذه الأدلة إنّما تشمل حالة الشك البدوی لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلخص الشبهات الحكمية ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضیح داده. جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ س ۷ - ۲ نمره

جواب: اشکال شده که ادله برائت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمیه نمی‌توان برائت شرعیه جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکلیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم اجمالی» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این ماهی بدوی است] که محل اجرای برائت شرعی است.

۹- برخی از ادله «برائت شرعی» اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحوص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحوص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است. دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله برائت شرعیه ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحوص به دست می‌آمده است. [مثل آیه «و ما کُنّا معذبین حتی نبعث رسولاً» که برای اثبات برائت شرعیه به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شک، قبل از فحوص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحوص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحوص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. پس بدون فحوص، محلی برای اجرای اصل برائت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلّم در روز قیامت از مکلف می‌برسد: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا نده در] دلیل برائت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحوص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجّز علم اجمالی» را بیان کرده. اختلال این رکن در «دوران امر بین معذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۴ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم برای تنجّز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود: اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن». مطلب در اینجا دائر بین معذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برائت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - مُحال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

امتحانات مرکز عمومی (ع)

اصول فقه ۱-۲  
۹۳ ساعت  
۹۳ سوال

پوینده

کتاب	۹۳۲۲/۱۸
نوع	۱۳۹۱/۱-۲۷
نویسنده	اصول فقه ۴
موضوع	مدرس فی علم الاصول (اصول فقه)
تعداد صفحات	۲۱۵-۲۲۱

نام و نام خانوادگی	شماره	شماره	شماره
نام	شماره	شماره	شماره

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براءت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

الف. آن وحدة السیاق تقتضی کون المصادیق من سنخ واحد.  ص ۲۲۴  
 ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهریاً بمعنی تأمین الشاک.   
 ج. الاطلاق یقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعیة والحکیمة.   
 د. یسکن ان یُراد به «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کتا الشبهین.

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

الف. محال عقلاً- محال عقلاً   
 ب. ممکن عقلاً- محال عقلاً   
 ج. ممکن عقلاً- محال عقلاً   
 د. ممکن عقلاً- ممکن عقلاً

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم: آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة» حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

الف. وجوب موافقت قطعی - وجوب موافقت قطعی   
 ب. جواز مخالفت قطعی - وجوب موافقت احتمالی   
 ج. جواز مخالفت احتمالی - جواز مخالفت احتمالی   
 د. وجوب موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلیبة أن العادث یبقی» استوار است؟ ص ۲۶۷

الف. قاعده یقین   
 ب. قاعده تجاوز   
 ج. اصل استحباب   
 د. قاعده مقتضی و مانع

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث.   
 ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقضه یقین آخر».   
 ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.   
 د. لا؛ لان الشک لا یتمثل الظن وضعاً.

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

الف. ورود دلیل محرز بر اصل   
 ب. حکومت دلیل محرز بر اصل   
 ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.   
 د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۸- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البودی دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید ره را از اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ و ۲۲۳ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یعنی دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.

جواب شهید صدر (ره)؛ بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی وارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن ها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۶ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البرائة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۳ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم اجمالی به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمش این است که بتوانیم با آن حکم بالااجمال مخالفت فعلی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره)؛ باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقلی نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقلی معلق نیست ادعای بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصل بین أن یکون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «عقلی رقیبه» متعلق، عتق و موضوع، رقیبه است. گاهی شک متعلق می گردد به دعا هنگام عتق و گاهی متعلق می گیرد به شرط ایمان در رقیبه. در حالت اول برائت جاری می شود، زیرا مرجع شک به شک در تقدیر واجب [عقل] به دعا است یعنی شک در تکلیف زائد جاری می شود و در حالت دوم برائت جاری نمی شود. زیرا رقیبه مومن متعلق و وجوب نیست. پس شک در تقدیر رقیبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برائت جاری کرد. اشکال شهید هر چند مقید کردن رقیبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقیید عتق به ایمان رقیبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقیبه است. و از آن جهت که تقیید تحت اختیار مکلف است و متعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید نسبت به آن برائت جاری می شود.

۱۲- با توجه به صحیحہ «قتل له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۵۹ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم؛ زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می گردد و تردد مانع انقراض اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می کند.

(۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا ید من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیة» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در شبهات حکمیة اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیة] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بجوشد حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کنشش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می شود یا نه استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را؛ دلیل مرحوم نائینی (ره)؛ در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقاقتش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدره الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تراحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم یا هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند زیرا هنگامی که آب نداشتند باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارند.

(۱/۵ نمره) فرق در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تراحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱/۵ نمره)



مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران

# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

امتحان اول ۹۵-۹۶

پایه پنجم ۹۵-۹۶

پایه ششم ۹۵-۹۶

پایه هفتم ۹۵-۹۶

گروه: ۲۹۵۱/۲۲

کلاس: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

موضوع: اصول فقه ۲

کتاب: دروس فی علم الاصول «مفاهیم» - اردبیلی

صفحات: از تعداد اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۳۲۱)

نام و نام خانوادگی	شماره	تاریخ	محل
نام و نام خانوادگی	شماره	تاریخ	محل

نام و نام خانوادگی: ..... شماره: ..... تاریخ: ..... محل: .....

۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸

- الف. مکلف به - برائت
- ب. مکلف به - اشتغال
- ج. تکلیف - اشتغال
- د. تکلیف - برائت

۰/۵

۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه امری است؟ ص ۲۴۷

- الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء
- ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعی
- ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف
- د. حکومت قاعده عسر و حرج

۰/۵

۳- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲

- الف. مرجعية الحالة السابقة
- ب. التحكم ببقاء ما كان
- ج. اليقين بالحدوث
- د. الشك في البقاء

۰/۵

۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۵۲

- الف. قاعده مقتضى و مانع
- ب. اصل استصحاب
- ج. اصل اشتغال
- د. قاعده یقین

۰/۵

۵- مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کُر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟

- الف. شک در تقدم و تأخر
- ب. شک در تدریجیات
- ج. مجهولی تاریخ
- د. توارد حالتین

۰/۵

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یعيد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱

- الف. ورود
- ب. تقیید
- ج. حکومت
- د. تخصیص

۰/۵

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْساً اِلاَّ مَا اَتاها» (م) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین

۳

نمایید. ص ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.



۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية» را توضیح داده، جواب شهید صدر<sup>ره</sup> بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم اجمالی به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازماًش این است که بتوانیم با آن حکم یا اجمال مخالفت فطری کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر<sup>ره</sup>: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص نگاهی از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعیین و تخییر» نوشته، اختلال کدام رکن موجب عدم تنجز تعیین می گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نمره

جواب: علم ما به وجود مرده است بین اکرام زید هر طور که باشد یا اکرام زید بوسیله اهداء کتاب (۱۵- نمره) اختلال رکن ثالث (۱۵- نمره)

۹- مراد از «حیثیت تقیدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم المسیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می داند. این قیود را حیثیات تقیدیه می نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتعیر بالنجاسة منتجس» در این صورت، «تعیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را منتجس می داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.

۱۰- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حیث طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حیث طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدرک آن از نگاه شهید صدر<sup>ره</sup> چه امری است؟ ص ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: چنانچه تعارض بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است با توجه به قرینهای که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدرک اگر از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک با دیگری در تنافی باشد، و یکی از آنها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است که از مجموع کلام او همان گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.



### امتحانات مشترک عمومی (سطح ۲)

شماره سوال: ۱۷-۱۶

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

ساعت: ۲

موضوع: اصول فقه

کتاب: اصول فقه

محل: ...

تاریخ	۱۳۹۳/۱۲
شماره	۱۳۹۷/۰۶/۱۱
ساعت	۲
موضوع	اصول فقه
کتاب	اصول فقه
محل	از ابتدای اصول فقه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۱۱)

نام و نام خانوادگی: ... کد ملی: ... شماره پرسنلی: ...

۱۵-

۱- چرا قیاس حق الطاعة خداوند با حق الطاعة بين عقلاء صحيح نيست؟ ص ۲۲۲

- الف. حق الطاعة الهی، ذاتی است.
- ب. حق الطاعة الهی، یقینی است.
- ج. حق الطاعة الهی، واجب است.
- د. حق الطاعة الهی، جمعی است.

۱۵-

۲- مراد از موصول در حدیث رفع: «رفع ما لا يعلمون...» چه فرض گردد تا شامل شبهات موضوعیه و حکمیّه هر دو باشد؟ ص ۲۲۹

- الف. تکلیف ظاهری
- ب. تکلیف واقعی
- ج. فعل خارجی
- د. تکلیف فعلی

۱۵-

۳- مثال «اذا كان على يقين من عدالة زيد يوم الخميس فشك يوم الجمعة في عدالته يوم الخميس» مجرای کدام قاعده است؟ ص ۲۵۳

- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اشتغال عقلی
- ج. قاعده یقین
- د. استصحاب

۴- عبارت «قد يفترض وجود موضوع واحد تطرأ عليه حالتان متضادتان كل واحدة موضوع لحكم شرعي...» ناظر به کدام گزینه است؟ ص ۲۷۳

- الف. الشك في التقدم و التأخر
- ب. الشك بين المحذورين
- ج. مجهول التاريخ
- د. تولد الحالتين

۵- عبارت «اعتراض الشيخ الاعظم<sup>(ره)</sup> بان ارادة الجامع من الموصول في قوله تعالى: (لا يكلف الله نفسا الا ما اتاها) العلق<sup>(۷)</sup> غير ممكنه لانه بلحاظ التكليف يكون مفعولا مطلقاً و بلحاظ المال مفعولا به ... فالاولى هي نسبة الحدث الى بعض اطواره، و الثانية نسبة المتغير الى المتغير» را تبیین نموده، اعتراض بر چیست؟ ص ۲۲۵-۲۲۰ نمره

جواب: اعتراض شیخ<sup>(ره)</sup> اراده جامع از «ما» ممکن نیست، زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری: لا یكلف الله نفساً تکلیفاً الا التکلیف الذي اتاها «و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به به تعبیری: لا یكلف الله نفساً مالا الا المال الذي اتاها. نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدث (یکلف) و یکی از اشکال آن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه معاین آن است، در نتیجه نسبت بین فعل و مفعول مطلق با فعل و مفعول به متغیر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل. «ما» متعین در معنای مال است. (نمره ۱/۵) استدلالی که به آن اعتراض شده است: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنای جامع بین مال، فعل و تکلیف است. (۵/۰ نمره)

۶- چگونه برخی از کلمه «بعینه» در حدیث: «كل شيء فيه حلال و حرام فهو لك حلال ابدأ حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ یا مثال تبیین نمایید. ص ۲۲۰-۲۲۰ نمره

جواب: لازمه حمل حدیث بر شبهه حکمیّه این است که کلمه «بعینه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه گردد. مثلاً «شك دارد این گوشت مذکی است یا مینه و علم اجمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشت‌های شهر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام منه ناظر به علم اجمالی به حرمت است و بعینه ناظر به علم تفصیلی به مشکوک الحرمة است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث بر شبهه موضوعیه متعین می گردد.

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویة اثبات کرده‌اند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کنید. ص ۲۴۹ - ۱ نمره

جواب: استصحاب اول: می‌توان عدم تکلیف قبل از شریعت را استصحاب نمود؛ زیرا یقیناً در ابتدای شریعت (به دلیل تدریجی بودن تشریح احکام) حکم مشکوک وجود نداشت لذا می‌توان عدم وجودش را هم چنان استصحاب کرد. (وجه دوم: می‌توان استصحاب کرد عدم تکلیف قبل از بلوغ را.)

۹- با توجه به روایت «الامور ثلاثه: امر بین رשده فاتبعه و امر تبين غیبه فاجتنبه و امر اختلف فيه ورده الله عز و جل» استدلال به احتیاط در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره

جواب: استدلال: شک در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و با توجه به روایت باید آن‌ها را مرتکب نشده و به خداوند متعال رد کرد که عبارت اخروی احتیاط است. (۱ نمره) نقد: اولاً: رد به خداوند ممکن است به معنای احتیاط نباشد بلکه به معنای رجوع به سنت و کتاب باشد. ثانیاً: اگر قبول کنیم رد به خداوند یعنی احتیاط باز هم در شبهات بدوی احتیاط لازم نمی‌آید. زیرا با توجه به ادله برائت شبهات بدوی از قسم اول بوده و از مواردی است که بین الرشده است. (۱ نمره)

۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول امله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمایید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه. در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیح «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوئه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. (۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیه اذا کان الموضوع باقیاً یکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحده» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیه» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۸۴ و ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوک و حدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مفهوم موضوع هستند [حیثیه تقییدیه] و قیودی که مفهوم موضوع نیستند [حیثیه تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلبان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شک در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریح چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدره الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزامم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. (۱ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزامم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱ نمره)



# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره برگه امتحانی: ۱۲-۱۳  
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۱۰  
ساعت: ۲

ردیف	نام درس	نمره
۱	فقه	۱۰
۲	اصول فقه	۱۰
۳	تفسیر	۱۰
۴	تاریخ اسلام	۱۰
۵	اصول فقه	۱۰
۶	تفسیر	۱۰
۷	تاریخ اسلام	۱۰
۸	اصول فقه	۱۰
۹	تفسیر	۱۰
۱۰	تاریخ اسلام	۱۰

کتاب	۲۳۳۲/۱۰
موضوع	۱۳۹۴/۰۶/۱۰
تاریخ	۲
موضوع	اصول فقه ۲
موضوع	دروسی فی علم الاصول - حلقه پایه «فروغی»
موضوع	از کتاب اصول فقه ۲، باب کتاب اص ۳۳۸-۳۴۶

نام و نام خانوادگی: ..... شماره پرسنلی: ..... شماره ثبت: ..... مکان: .....

- ۱- به نظر شهید صدر (ره) قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۴۱
- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی
- ۲- در روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم»، کلمه «العباد» باید چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن، برائت در تکالیف مشکوک را اثبات نمود؟ ص ۲۴۸
- الف. عموم بدلی
- ب. اطلاق احوالی
- ج. عموم مجموعی
- د. عموم استثنائی
- ۳- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲۶۶ و ۲۶۷
- الف. رکن چهارم - رکن سوم
- ب. رکن سوم - رکن چهارم
- ج. رکن سوم - رکن دوم
- د. رکن دوم - رکن سوم
- ۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷
- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اصل استحباب
- ج. اصل اشتغال
- د. قاعده یقین
- ۵- مثال «یقین داریم آب گر سابق، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهر از گر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟ ص ۲۹۴
- الف. شک در تقدم و تاخر
- ب. موضوعات مرکب
- ج. مجهولی تاریخ
- د. توارد حالتین
- ۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۳۰۵
- الف. تخصیص
- ب. حکومت
- ج. ورود
- د. تقیید
- ۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۳۴۴ - ۳۴۵

جواب: استدلال، اطلاق مساوی امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] یعنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (۱) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱) (نمره)

۸- با توجه به عبارت «فقد يستدل له بوحدة السياق لاسم الموصول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می‌شود؟ پاسخ این چیست؟ ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب: برخی حدیث رفع را مختص شبهات موضوعیه می‌دانند زیرا «ما» در «ما اضطرنا الیه» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در «ما لا یملکون» هم به قرینه سیاق مراد شبهات موضوعیه است. جواب: اسم موصول در تمام موارد به یک معنا است و آن به معنای شیء است و در نهایت می‌توان گفت که مصادیق «ما» مختلف است و تفاوت در مصداق موجب از بین بردن وحدت سیاق نیست.

۹- عبارت «الاعتراض الأول علی أدلة البرائة الشرعیة هو أن الأدلة خاصة بمورد الشک البدوی دون المقترن بالعلم الاجمالی و واضح ان الفقیه لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت تکالیف فلا یسکن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کنند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بلیه، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااحمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۶۴ و ۲۶۷ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالااحمال عیناً دارد [عقلاً یا عقلاً] پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه شود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست].

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایسان را به همراه مثالی تبیین نمایند. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط کافی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تعقیب عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تعقیب بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقرر نیست] به معنای امر به تعقیب نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تعقیب بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- اعتراض آیه الله خوبی (ره) را در عبارت «اعتراض السید الاستاذ یانه یلزم فی التعریف ان یلزم علی کل الاتجاهات و الحال ان التعریف الاستصحاب بالحکم بقاء ما کان لیس کذلک و یناسب افتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الاماریة یلزم تعریفه بالیقین بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

جواب: آیه الله خوبی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کند که ملازم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می‌دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می‌دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۳- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحه زراره: «قلت له: الرجل ینام و هو علی وضوء، اتوجب الخففة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یتستیق انه قد نام ... و لا ینقض الیقین ابداً بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آبی الحصول است، در نتیجه بقای ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است. جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدیث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لا ینقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند]

۱۴- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ - ۲ نمره

جواب: ۱. یقین به حدوث ۲. شک در بقاء ۳. وحدت قضیه مشکوک و متیقن ۴. ترتب اثر بر بقاء حالت سابق

۱۵- مراد از «حیثیت تقیدیة» و «حیثیت تعلیلیة» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را انامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقیدیة می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتعبر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تعبر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است. اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیة می‌نامند.

**اختصاصی نیمه حضوری**

سهم اول ۱۵-۲۴  
بسته ۹۹

شماره مدرسه

کتاب:	مبوس فی علم الاصول - مسئله تائید - آقای ابراهیمی
مکان:	اصول فقه ۲
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۹
گروه:	۲۹۴/۲۹

نام نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... گروه: ..... شهر: ..... استان: .....

۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شرعی، بنابر قاعده قبح بالایمان چیست؟ ص ۲۳۹ و ۲۴۰

الف. برائت   
 ب. استصحاب   
 ج. اشتغال عقلی   
 د. احتیاط شرعی

۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶

الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال   
 ب. شک در مکلف به و مجرای برائت   
 ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال   
 د. شک در تکلیف و مجرای برائت

۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۵

الف. رکن اول   
 ب. رکن دوم   
 ج. رکن سوم   
 د. رکن چهارم

۴- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة جزء ولكن شككنا في عمومها للمريض او اختصاصها بالصحيح» نسبت به وجوب سوره برای مریض چه حکمی جاری می شود؟ ص ۲۶۸ و ۲۶۹

الف. استصحاب   
 ب. احتیاط   
 ج. برائت   
 د. توقف

۵- در کدام مورد «تقص یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷

الف. قاعده مقتضی و مانع   
 ب. اصل استصحاب   
 ج. قاعده یقین   
 د. اصل اشتغال

۶- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقص اليقين بالشك ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۸۲

الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و كون السائل ظاناً بالحدث.   
 ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقصه بيقين آخر».   
 ج. لا؛ لتويع الظن بالمعتبر و غير المعتبر.   
 د. لا؛ لان الشك لا يشمل الظن وضعاً.

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا...» (سایر، ۱۴۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲۴۲ - ۲۴۳ نمره ۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاربه (و مباحنه) را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجان» و «نیافتن دلیل» بیان می کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل (بر حکم شرعی)» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعی» است.

اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تسریع نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس کرد یا «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. (به عبارت دیگر: مکلف نمی تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می کند - با اثبات یا نفی برائت شرعی، بیگانه است.)

# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

تاریخ: ۹ صبح ۱۵ روز ۷۰ دقیقه

شماره پام صحیح اهل	نمبر عدد	نمبر حرفت
شماره پام صحیح دوم	نمبر عدد	نمبر حرفت

نیم سال دوم ۹۷-۹۶

پایه چهارم ۵ ساله  
پایه ششم ۷ ساله

مهر مدرسه

کرتاب:	۲۹۶۲/۲۴
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۴/۰۳
مکان:	اصول فقه ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقه الثانية - ايراني»
موضوع:	از ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی تا ابتدای اصول عملیه (ص ۲۲۰-۱۵۱)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علمیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- در چه صورتی عمل معصوم (علیه السلام) دلالت بر رجحان عمل دارد؟ ص ۱۵۱

۰/۵

- الف. اذا لم یحتمل اختصاص المعصوم فیه
- ب. اذا یقترن بقرینة تدل علی عدم الحرمة
- ج. اذا لم یصح استناد ترک الاولی الیه
- د. اذا احرز فعل المعصوم بدافع شرعی

۲- قائلین به «عدم حجیت خبر واحد» به کدام آیه شریفه تمسک کرده‌اند؟ ص ۱۷۲

۰/۵

- الف. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آتَيْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ ...»
- ب. «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ»
- ج. «مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»
- د. «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»

۳- امر مولا به چه نحو باشد حکم به نحو «تخیر عقلی» است؟ ص ۲۰۵

۰/۵

- الف. اطلاق افرادی
- ب. اطلاق شمولی
- ج. اطلاق بدلی
- د. عموم

۴- نظر شهید صدر (ره) درباره «عقل عملی» و «حسن و قبح» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷

۰/۵

- الف. مدرک - واقعی
- ب. منشی - واقعی
- ج. منشی - اعتباری
- د. مدرک - اعتباری

۵- عبارت «ان السيرة المتأخرة معاصرة أيضاً للمعصوم (علیه السلام) رغم كونه غائباً، باعتبار أنه موجود یسمع و یری» در صدد اثبات چیست؟

۲

یک جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۱۵۴ - ۲ نمره

جواب: یکی از شروط حجیت سیره، امضاء و در نتیجه معاصرت با معصوم (علیه السلام) می باشد که این عبارت در صدد است که با توجه به وجود حی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حال حاضر نیازی به اثبات معاصرت تا زمان معصومین (علیه السلام) نیست. (۱ نمره) جواب شهید صدر (ره): الف. اگر کاشفیه سکوت از امضاء را به نکته عقلی بدانیم با توجه به اینکه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مکلف به نهی از منکر و تعلیم جاهل در زمان غیبت نیست در نتیجه سکوت ایشان دلالت بر امضاء ندارد. (و غرض هم به درجه ای نرسیده است که به خاطر حفظ آن از طریق غیر طبیعی وارد شود) ب. اگر کاشفیه سکوت از امضاء را به نکته استظهاری بدانیم مناط استظهار حال معصوم است که در زمان غیبت از سکوت، امضاء استظهار نمی شود.

۶- عبارت «ان نمو الاحتمال الموافق فی التواتر اسرع من الاجماع لان الخطا المحتمل فی المفردات الاجماع قد لا یكون متحد المركز بخلافه فی الاخبار الحسبیه فانه عادة یكون واحداً» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۱۶۰ - ۲ نمره

۲

جواب: احتمال صدق در تواتر زودتر از اجماع حاصل می شود. (به عبارتی برای حصول یقین در منقول امر حسی به تعداد نقل قول کمتری نسبت به منقول امر حدسی نیاز است) و یکی از دلایل آن این است که خطای محتمل در مفردات اجماع غالباً مرکز واحد ندارند بخلاف اخبار حسی که غالباً دارای مرکز واحد هستند. مثلاً اگر تعداد کثیری بگویند دیدیم زید کشته شد و در صورتی که همه خطا کرده باشند بررسی می کنیم می بینیم شخصی بسیار شبیه به زید بوده که کشته شده و این شباهت باعث خطا در همه شده است. یعنی علت خطای یکی است ولی در مقابل در اجماع ممکن است علمای کثیر حکم به وجوب شستن مو در غسل جنابت بدهند در صورتی که عالمی به روایتی ضعیف تمسک جسته و عالمی دیگر طبق مشهور عمل کرده و عالم دیگر به روایتی غیر تام الدلالة عمل کرده است. در نتیجه احتمال خطا به دلیل عدم وحدت مرکز (علت) خطا، در اجماع بیشتر از تواتر است.

۷- تقریب استدلال به آیه شریفه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات: ۶) بر حجیت خبر واحد را بیان کرده و یک اشکال بر آن را ذکر

نمایید. ص ۱۶۶ و ۱۶۷ - ۲ نمره

۲

جواب: در آیه نبأ (که می‌فرماید: اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا) یک جمله شرطیه آمده که (دارای حکم، موضوع و شرط است) حکم آن «وجوب تبیین» و موضوع حکم «خبر» است و شرط (یعنی شرط ثبوت آن حکم بر این موضوع) عبارت است از اینکه «فاسقی آن خبر را آورده باشد». این جمله شرطیه (به مقتضای مفهوم شرط) دلالت دارد بر اینکه (هرگاه شرط منتفی باشد، تبیین وجوب ندارد؛ لذا) اگر آورنده‌ی خبر، عادل باشد، تبیین واجب نیست (و این بخاطر حجیت خبر عادل است). (۱/۵ نمره) اشکال: ۱. شرط مذکور (یعنی «خبر آوردن فاسق») شرطی است که موضوع‌ساز (و محقق موضوع) است (پس مفهوم‌گیری از این جمله شرطیه امکان ندارد). ۲. (اگر هم از جمله مذکور مفهوم‌گیری کنیم اشکال دیگری پیش می‌آید) در این آیه برای حکم وجوب تبیین، علتی بیان شده (که عبارت باشد از «پرهیز از به جهالت افتادن») که این علت میان همه خبرهای واحد؛ چه خبر عادل و چه خبر فاسق، مشترک است. (۰/۵ نمره)

۸- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شيئاً من الثواب على شيء فصنعه كان له و إن لم يكن على ما بلغه» را بنویسید. ص ۱۷۴ -

۲ نمره

۲

جواب: ۱. در مقام جعل حجیت برای مطلق بلوغ، ۲. در مقام انشاء و استحباب واقعی نفسی بر طبق مفاد خبر باشد. ۳. ارشاد به حکم عقل به حسن بودن احتیاط، ۴. وعده‌ای مولوی برای مصلحتی در خود وعد (حتی اگر این مصلحت ترغیب به احتیاطی عقلی باشد).

۹- در بحث حجیت ظهور، موضوع حجیت، ظهور تصویری است یا تصدیقی؟ چرا؟ ص ۱۷۹ - ۱ نمره

۱

جواب: موضوع حجیت، ظهور تصدیقی است، زیرا معنای حجیت ظهور، اثبات مراد و مقصود متکلم به وسیله کلام می‌باشد و آن چه از مقصود متکلم پرده برمی‌دارد، ظهور تصدیقی است.

۱۰- اصطلاحات «واجب مشروط» و «واجب معلق» را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۹۱ و ۱۹۷ - ۲ نمره

۲

جواب: واجب مشروط: حکمی که تحقق و فعلیت یافتن آن منوط به تحقق بعضی از قیود در خارج است و تا این قیود در خارج محقق نشوند این حکم موجود نمی‌شود. إذا استطعت وجب عليك الحج، اگر مستطیع شدی حج بر تو واجب است. واجب معلق واجبی است که زمان وجوب (فعلیت وجوب) مقدم بر زمان واجب (امثال) باشد؛ مانند اینکه فرض کنیم قبل از زمان وقوف در عرفه مستطیع شود که در اینجا وجوب حج فعلی است ولی امثال آن متوقف بر رسیدن زمان عمل (ماه حج یا ظهر عرفه) است.

۱۱- دو خصوصیت وجوب غیری را با دلیل تبیین نمائید. ص ۲۱۰ - ۲ نمره

۲

جواب: وجوب غیری خصوصیتی دارد؛ از جمله: ۱. مخالفت با وجوب غیری استحقاق عقاب ندارد، ولی مخالفت با وجوب نفسی استحقاق عقاب دارد؛ زیرا استحقاق عقاب، تنها به این جهت ثابت می‌شود که ترک واجب مستلزم تفویت ملاک است و فرض این است که واجب غیری دارای ملاکی در مقابل ملاک واجب نفسی نیست. ۲. وجوب غیری محرکیتی مستقل در مقابل محرکیت وجوب نفسی ندارد. در نتیجه کسی که از امر نفسی تحرک‌پذیری ندارد، ممکن نیست که به جهت امر غیری در او تحرک ایجاد شود، زیرا تعلق اراده مولی به مقدمه، فقط به جهت رسیدن به ذی‌المقدمه است و بدون آن هیچ اراده‌ای برای مقدمه نمی‌باشد.



۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا...» (نساء، ۱۲۵) بر براهت شرعی را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمره

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات براهت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «براهت شرعی» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش ندرج نشده است. نمی‌توان این فقیه را قیاس کرده با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و بایس یگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نعی براهت شرعی، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة إنما تشمل حالة الشك البدوي لا الشك بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلحظ الشبهات الحكمية ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ س ۷ - ۲ نمره

جواب: اشکال شده که ادله براهت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمی و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمی نمی‌توان براهت شرعی جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم اجمالی» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این مابقی بدوی است] محل اجرای براهت شرعی است.

۹- برخی از ادله «براهت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحوص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحوص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله براهت شرعی ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحوص به دست می‌آمده است. [مثلاً آیه «و ما کنا معذبین حتی نعت رسولاً» که برای اثبات براهت شرعی به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحوص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحوص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمی، این علم اجمالی با «فحوص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل براهت است. پس بدون فحوص، محلی برای اجرای اصل براهت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلم، در روز قیامت از مکلف می‌پرستند: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا شده در] دلیل براهت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحوص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلاف این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم برای تنجز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل براهت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود: اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن». مطلب در اینجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] براهت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - محال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

# امتحانات مرکز عمومی (دع)

اصول فقه ۱-۲  
۹۵ صفحه  
۲۰۰۰ عدد

مهر ۱۳۸۵

کتاب	۹۱۲۲۱/۱۸
مجله	۱۳۹۶/۱۰-۲۲۷
اصول فقه ۴	
کتاب	دروس فی علم الأصول (حلقه ثانی)
تیت	راشدی درس ۲۲۱ تا ۲۲۱ (ص ۲۲۱-۲۱۵)

ردیف	تاریخ	موضوع	محل
۱	۲۰	اصول فقه	مهر
۲	۲۱	اصول فقه	مهر
۳	۲۲	اصول فقه	مهر

کتاب: ... نام: ... شماره: ... کلاس: ...

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر برائت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

- الف. آن وحدۃ السیاق مقتضی کون المصادیق من سنخ واحد.  ص ۲۲۴
- ب. الرفع فی الحدیث يكون رفعاً ظاهراً بمعنى تأمین الشاک.
- ج. الاطلاق يقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعية والحکمية.
- د. يمكن ان يُراد بـ «ما لا يعلمون» التكلیف المشکوک فی کلتا الشهتين.

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

- الف. محال عقلاً- محال عقلاً
- ب. ممکن عقلاً- محال عقلاً
- ج. ممکن عقلاً- محال عقلاً
- د. ممکن عقلاً- ممکن عقلاً

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم؛ آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة»، حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

- الف. وجوب موافقت قطعیه - وجوب موافقت قطعیه
- ب. جواز مخالفت قطعیه - وجوب موافقت احتمالیه
- ج. جواز مخالفت احتمالیه - جواز مخالفت احتمالیه
- د. وجوب موافقت احتمالیه - وجوب موافقت قطعیه

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلبه أن الحادث بقی» استوار است؟ ص ۲۴۷

- الف. قاعده یقین
- ب. قاعده تجاوز
- ج. اصل استصحاب
- د. قاعده مقتضی و مانع

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض البقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

- الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث.
- ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن اقتضه بقیين آخر».
- ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.
- د. لا؛ لان الشک لا يشمل الظن وضعاً.

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

- الف. ورود دلیل محرز بر اصل
- ب. حکومت دلیل محرز بر اصل
- ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.
- د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلانية و استحباب معاقبة الامر في المجتمعات العقلانية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم النائيني  $\text{علیه السلام}$  و جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$  را بنویسید. ص ۲۱۶ س ۸

جواب: استدلال مرحوم النائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیله‌ی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبح می‌شمرند (و حدود حق اطاعت مولای عرفی را تکالیف قطعی و معلوم می‌دانند) لذا محدوده حق اطاعت شارع هم تکالیف قطعی و معلوم است (بنابر این عقاب شارع همانند مولای عرفیه زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$ : قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت مولای عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت اُمرأ و مولای عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل و سمت و سبق دائره آن معلوم می‌شود که عادتاً در حدود تکالیف مقطوعه جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکوینی می‌باشد، لذا مضیق بودن دائره حق مجعول، ملازم با مضیق بودن دائره حق ذاتی تکوینی نمی‌باشد بلکه برای تحدید دائره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تمعیم است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را بنویسید. ص ۲۲۴ س ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یظفون و ما استظروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما» در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة.» را توضیح داده، جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$  بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۸ و ۲۴۷

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است، زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بتوان در اطرافه برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این ممسیت جرم است شرعاً و قبح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر  $\text{علیه السلام}$ : باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعدة منجزية العلم الاجمالی ان یكون کل من العرفین مضمولاً فی نفسه لدلیل اصل البراءة یقطع النظر عن التعارض» را توضیح داده، مثالی بزنید که این رکن در آن موجود نباشد. ص ۲۵۲ و ۲۵۰

جواب: یکی از شرایط منجزیت و حیثیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیص (برائت) جاری کرد، در حقیقت بواره‌ی است که می‌گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف]، اصل برائت را قی حد نفسه بپذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می‌شود لذا علم اجمالی منجز نیست، مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو طرف داشته باشیم و یکی از آنها خارج از محل ابتلا باشد، طرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود. پس برائت در طرف دوم معارض ندارد.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

جواب: قاعده‌ی مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی متلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می‌گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه.

وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دوام مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتقای مانع گذاشته می‌شود و لذا مقتضای یعنی موت ثابت می‌شود.

فرق: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متضادند تعلق می‌گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلق یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «علیه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است.» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می‌ماند» است.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتقای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند، مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر یافته داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتقای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند، مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر یافته داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

استصحاب منقسم است به دو قسم اولی و ثانی  
جریان عرفی معذور است به استصحاب

## امتحانات مشترک عمومی (سطح ۲)

فصل اول ۹۲-۹۳  
۹۹ بهار  
۹۹ خرداد

کتابخانه	۲۹۲۱/۲۶
تاریخ	۱۳۹۲/۱۰/۲۲
موضوع	اصول فقه ۲
کاتب	المطبعة الثانية (مهدی صدر زاده)
صفحه	از تعداد درس ۴۲۱ پایان کتاب (ص ۳۲۱-۳۱۵)

روقت	
تعداد سوالات	۱۰ صبح / ۲۰ عصر
تعداد سوالات	تعداد سوالات
تعداد سوالات	تعداد سوالات

نام و نام خانوادگی: ..... شماره پرسنلی: ..... شماره ثبت نام: ..... شماره کلاس: ..... شماره گروه: .....

۱- به نظر شهید صدر  $\llcorner$  قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۳۹

- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطه ی خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰

- الف. تکلیف - برائت
- ب. تکلیف - اشتغال
- ج. مکلف به - برائت
- د. مکلف به - اشتغال

۳- در مثال «إذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إماماً هذا الفعل أو فعل آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإتيان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتاً، فالتكليف لا يعلم ثبوته فعلاً» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۵۳

- الف. الركن الأول
- ب. الركن الثاني
- ج. الركن الثالث
- د. الركن الرابع

۴- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلى حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می شوند و شک می کند که «هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸

- الف. استصحاب مجهولة التاريخ
- ب. استصحاب کلی قسم سوم
- ج. استصحاب تدریجیات
- د. استصحاب تعلیقی

۵- مثال «إذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت فشك يوم الأحد في نجاسته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۲۶۷

- الف. اصل برائت
- ب. قاعده یقین
- ج. اصل استصحاب
- د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین «ادله برائت عقلی» با «ادله خبر واحد» به چه نحو است؟ ص ۳۰۵

- الف. ظاهر و نص
- ب. مورود و وارد
- ج. عام و خاص
- د. محکوم و حاکم

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَعْزُومًا...» (عام، ۱۱۲۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده. شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲۲۱ نمره

جواب: در این آیه، خداوند تعالی نحوه محابّه [و مباحته] با عبود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی] کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن خصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و بآس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعية هو أنّ هذه الأدلة إنّما تشمل حالة الشك البدوی لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلاحظ الشبهات الحكمية ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضیح داده. جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ س ۷ - ۲ نمره

جواب: اشکال شده که ادله برائت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمیه نمی‌توان برائت شرعیه جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکلیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم اجمالی» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این ماهی بدوی است] که محل اجرای برائت شرعی است.

۹- برخی از ادله «برائت شرعی» اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحوص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحوص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است. دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله برائت شرعیه ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحوص به دست می‌آمده است. [مثل آیه «و ما کُنَّا معذبین حتی نبعث رسولاً» که برای اثبات برائت شرعیه به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحوص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحوص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحوص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. پس بدون فحوص، محلی برای اجرای اصل برائت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلّم در روز قیامت از مکلف می‌برسد: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی فید می‌زند اطلاق [ادعا نده در] دلیل برائت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحوص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجّز علم اجمالی» را بیان کرده. اختلال این رکن در «دوران امر بین معذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۴ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم برای تنجّز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود: اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن». مطلب در اینجا دائر بین معذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برائت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - مُحال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

امتحانات مرکز عمومی (ع)

اصول فقه ۱-۲  
۹۳ صفحه  
۹۳ عدد سؤال

پوینت

کتاب	۹۳۲۲۱/۱۸
نوع	۱۳۹۱/۱۰ - ۲۷
نویسنده	اصول فقه ۴
موضوع	مدرس فی علم الاصول (اصول فقه)
تعداد کتب	۲۱۵-۲۲۱

نام و نام خانوادگی	شماره	شماره	شماره
نام	شماره	شماره	شماره

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براءت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

الف. آن وحدة السیاق تقتضی کون المصادیق من سنخ واحد.  ص ۲۲۴  
ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهریاً یعنی تأمین الشاک.   
ج. الاطلاق يقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعیة و الحکیمة.   
د. یسکن ان یُراد به «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کتا الشبهتین.

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

الف. محال عقلاً - محال عقلاً   
ب. ممکن عقلاً - محال عقلاً   
ج. ممکن عقلاً - محال عقلاً   
د. ممکن عقلاً - ممکن عقلاً

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم: آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة» حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

الف. وجوب موافقت قطعی - وجوب موافقت قطعی   
ب. جواز مخالفت قطعی - وجوب موافقت احتمالی   
ج. جواز مخالفت احتمالی - جواز مخالفت احتمالی   
د. وجوب موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلیبة أن العادته یبقی» استوار است؟ ص ۲۶۷

الف. قاعده یقین   
ب. قاعده تجاوز   
ج. اصل استحباب   
د. قاعده مقتضی و مانع

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث.   
ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقضه یقین آخر».   
ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.   
د. لا؛ لان الشک لا یتمثل الظن وضعاً.

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

الف. ورود دلیل محرز بر اصل   
ب. حکومت دلیل محرز بر اصل   
ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.   
د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۸- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البودی دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید ره را از اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ و ۲۲۳ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می‌شود که شک بذوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمی شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمی نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یعنی دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمی که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره)؛ بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بذوی است و جای برائت شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۶ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البرائة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۳ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمش این است که بتوانیم با آن حکم بالااجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره)؛ باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقلی نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقلی معلق نیست ادعای بیون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصل بین أن یکون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «عقلی رقیبه» متعلق، عتق و موضوع، رقیبه است. گاهی شک متعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی متعلق می‌گیرد به شرط ایمان در رقیبه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شک به شک در تقدیر واجب [عقل] به دعا است یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود. زیرا رقیبه مومن متعلق و وجوب نیست. پس شک در تقدیر رقیبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برائت جاری کرد. اشکال شهید هر چند مقید کردن رقیبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عتق به ایمان رقیبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقیبه است. و از آن جهت که تقید تحت اختیار مکلف است و متعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقید، نسبت به آن برائت جاری می‌شود.

۱۲- با توجه به صحیح «قتل له الرجل یتام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۵۹ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم؛ زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردد مانع انقراض اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند.

(۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا ید من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمی» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در شبهات حکمی اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت ذقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیه تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کنشش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را؛ دلیل مرحوم نائینی (ره)؛ در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقاقتش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدره الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تراحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم یا هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست، یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارند.

(۱/۵ نمره) فرق در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تراحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱/۵ نمره)



مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران

## امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

امتحان اول ۹۴-۹۵

پایه پنجم ۴ ساله

پایه ششم ۵ ساله

پایه هفتم

نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره پرسنلی
.....	.....	.....
نام پدر	مدرسه	شماره کلاس
.....	.....	.....

گروه:	۲۹۵۱/۲۲
کلاس:	۱۳۹۵/۶۰/۲۵
موضوع:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حاشیه کتاب - اردبیلی
صفحه:	از تعداد اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۳۲۱)

نام و نام خانوادگی: ..... شهر: ..... مدرسه: ..... شماره ثبت: ..... شماره پرسنلی: .....

۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸

الف. مکلف به - برائت

ب. مکلف به - اشتغال

ج. تکلیف - اشتغال

د. تکلیف - برائت

۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه امری است؟ ص ۲۴۷

الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء.

ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعی

ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف

د. حکومت قاعده عسر و حرج

۳- بنا بر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲

الف. مرجعية الحالة السابقة

ب. التحكم ببقاء ما كان

ج. اليقين بالحدوث

د. الشك في البقاء

۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۵۲

الف. قاعده مقتضى و مانع

ب. اصل استصحاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۵- مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کُر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟ ص ۲۷۱

الف. شک در تقدم و تأخر

ب. شک در تدریجیات

ج. مجهولی تاریخ

د. توارد حالتین

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یعيد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱

الف. ورود

ب. تقیید

ج. حکومت

د. تخصیص

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لَا یُکَلِّفُ اللّهُ نَفْسًا اِلاّ مَا اَتاها» (م) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نمایید. ص ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.



۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية» را توضیح داده، جواب شهید صدر<sup>ره</sup> بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم اجمالی به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازماًش این است که بتوانیم با آن حکم یا اجمال مخالفت فطری کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر<sup>ره</sup>: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص نگاهی از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعین و تخییر» نوشته، اختلال کدام رکن موجب عدم تنجز تعین می گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نمره

جواب: علم ما به وجود مرده است بین اکرام زید هر طور که باشد یا اکرام زید بوسیله اهداء کتاب (۱۵- نمره) اختلال رکن ثالث (۱۵- نمره)

۹- مراد از «حیثیت تقیدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم المسیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می داند. این قیود را حیثیات تقیدیه می نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتعیر بالنجاسة منتجس» در این صورت، «تعیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را منتجس می داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.

۱۰- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونهای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدرک آن از نگاه شهید صدر<sup>ره</sup> چه امری است؟ ص ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: چنانچه تعارض بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است با توجه به قرینهای که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدرک آن از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک با دیگری در تنافی باشد، و یکی از آن‌ها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است که از مجموع کلام او همان گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.



### امتحانات مشترک عمومی (سطح ۲)

شماره سوال: ۱۷-۱۶

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

ساعت: ۲

موضوع: اصول فقه

کتاب: اصول فقه

محل: ...

تاریخ	۱۳۹۳/۱۲
شماره	۱۳۹۷/۰۶/۱۱
ساعت	۲
موضوع	اصول فقه
کتاب	اصول فقه
محل	از ابتدای اصول فقه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۱۱)

نام و نام خانوادگی: ... کد ملی: ... شماره پرسنلی: ...

۱۵-

۱- چرا قیاس حق الطاعة خداوند با حق الطاعة بين عقلاء صحيح نيست؟ ص ۲۲۲

- الف. حق الطاعة الهی، ذاتی است.
- ب. حق الطاعة الهی، یقینی است.
- ج. حق الطاعة الهی، واجب است.
- د. حق الطاعة الهی، جمعی است.

۱۵-

۲- مراد از موصول در حدیث رفع: «رفع ما لا يعلمون...» چه فرض گردد تا شامل شبهات موضوعیه و حکمیّه هر دو باشد؟ ص ۲۲۹

- الف. تکلیف ظاهری
- ب. تکلیف واقعی
- ج. فعل خارجی
- د. تکلیف فعلی

۱۵-

۳- مثال «اذا كان علی یقین من عدالة زيد يوم الخميس فشك يوم الجمعة في عدالته يوم الخميس» مجرای کدام قاعده است؟ ص ۲۵۳

- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اشتغال عقلی
- ج. قاعده یقین
- د. استصحاب

۴- عبارت «قد يفترض وجود موضوع واحد تطرأ عليه حالتان متضادتان كل واحدة موضوع لحكم شرعي...» ناظر به کدام گزینه است؟ ص ۲۷۳

- الف. الشك في التقدم و التأخر
- ب. الشك بين المحذورين
- ج. مجهولی التاريخ
- د. توارد الحالتين

۵- عبارت «اعتراض الشيخ الاعظم<sup>(ره)</sup> بان ارادة الجامع من الموصول في قوله تعالى: (لا يكلف الله نفسا الا ما اتاهها) العلق<sup>(۷)</sup> غير ممكنة لانه بلحاظ التكليف يكون مفعولا مطلقاً و بلحاظ المال مفعولا به ... فالاولی هی نسبة الحدث الى بعض اطواره، و الثانية نسبة المتغير الى المتغير» را تبیین نموده، اعتراض بر چیست؟ ص ۲۲۵-۲۲۰ نمره

جواب: اعتراض شیخ<sup>(ره)</sup> اراده جامع از «ما» ممکن نیست، زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری: لا یكلف الله نفساً تکلیفاً الا التکلیف الذي اتاهها «و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به به تعبیری: لا یكلف الله نفساً مالا الا المال الذي اتاهها. نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدث (یکلف) و یکی از اشکال آن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه معاین آن است، در نتیجه نسبت بین فعل و مفعول مطلق با فعل و مفعول به متغیر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل. «ما» متعین در معنای مال است. (نمره ۱/۵) استدلالی که به آن اعتراض شده است: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنای جامع بین مال، فعل و تکلیف است. (۵/۰ نمره)

۶- چگونه برخی از کلمه «بعینه» در حدیث: «كل شيء فيه حلال و حرام فهو لك حلال ابدأ حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ یا مثال تبیین نمایید. ص ۲۲۰-۲۲۰ نمره

جواب: لازمه حمل حدیث بر شبهه حکمیّه این است که کلمه «بعینه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه گردد. مثلاً «شك دارد این گوشت مذکی است یا مینه و علم اجمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشت‌های شهر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام منه ناظر به علم اجمالی به حرمت است و بعینه ناظر به علم تفصیلی به مشکوک الحرمة است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث بر شبهه موضوعیه متعین می گردد.

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویه اثبات کرده‌اند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کنید. ص ۲۴۹ - ۱ نمره

جواب: استصحاب اول: می‌توان عدم تکلیف قبل از شریعت را استصحاب نمود؛ زیرا یقیناً در ابتدای شریعت (به دلیل تدریجی بودن تشریح احکام) حکم مشکوک وجود نداشت لذا می‌توان عدم وجودش را هم چنان استصحاب کرد. (وجه دوم: می‌توان استصحاب کرد عدم تکلیف قبل از بلوغ را.)

۹- با توجه به روایت «الامور ثلاثه: امر بین رשده فاتبعه و امر تبين غيبه فاجتنبه و امر اختلف فيه ورده الله عز و جل» استدلال به احتیاط در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره

جواب: استدلال: شک در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و با توجه به روایت باید آن‌ها را مرتکب نشده و به خداوند متعال رد کرد که عبارت اخروی احتیاط است. (۱ نمره) نقد: اولاً: رد به خداوند ممکن است به معنای احتیاط نباشد بلکه به معنای رجوع به سنت و کتاب باشد. ثانیاً: اگر قبول کنیم رد به خداوند یعنی احتیاط باز هم در شبهات بدوی احتیاط لازم نمی‌آید. زیرا با توجه به ادله برائت شبهات بدوی از قسم اول بوده و از مواردی است که بین الرشده است. (۱ نمره)

۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول امله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمایید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه. در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیح «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوئه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. (۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهه الحکمیه اذا کان الموضوع باقیاً یکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحده» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیه» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۸۴ و ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوک و حدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مفهوم موضوع هستند [حیثیه تقییدیه] و قیودی که مفهوم موضوع نیستند [حیثیه تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلبان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شک در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریح چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدره الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزامم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. (۱ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزامم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱ نمره)



# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره سوال: ۱۲-۱۳  
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۱۰  
ساعت: ۲

کتابچه	۲۳۳۲/۱۰
نوع	۱۳۹۴/۰۶/۱۰
موضوع	اصول فقه ۲
کتاب	دروس فی علم الاصول - حلقه پایه «تربیتی»
تعداد	از تعداد اصول سلبه ۴ پانل کتاب اص ۳۳۸-۳۳۶

ردیف	نام	نمره
۱	شماره پرسش	۲۰
۲	شماره پرسش	۲۰
۳	شماره پرسش	۲۰
۴	شماره پرسش	۲۰
۵	شماره پرسش	۲۰

نام و نام خانوادگی: ..... شماره پرسش: ..... شماره سوال: ..... شماره پانل: .....

- ۱- به نظر شهید صدر (ره) قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۴۱
- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی
- ۲- در روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم»، کلمه «العباد» باید چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن، برائت در تکالیف مشکوک را اثبات نمود؟ ص ۲۴۸
- الف. عموم بدلی
- ب. اطلاق احوالی
- ج. عموم مجموعی
- د. عموم استثنائی
- ۳- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲۶۶ و ۲۶۷
- الف. رکن چهارم - رکن سوم
- ب. رکن سوم - رکن چهارم
- ج. رکن سوم - رکن دوم
- د. رکن دوم - رکن سوم
- ۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷
- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اصل استحباب
- ج. اصل اشتغال
- د. قاعده یقین
- ۵- مثال «یقین داریم آب گر سابق، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهر از گر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟ ص ۲۹۴
- الف. شک در تقدم و تاخر
- ب. موضوعات مرکب
- ج. مجهولی تاریخ
- د. توارد حالتین
- ۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۳۰۵
- الف. تخصیص
- ب. حکومت
- ج. ورود
- د. تقیید
- ۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۳۴۴ - ۳۴۵

جواب: استدلال، اطلاق مساوی امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] یعنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (۱) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱) (نمره)

۸- با توجه به عبارت «فقد يستدل له بوحدة السياق لاسم الموصول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می‌شود؟ پاسخ این چیست؟ ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب: برخی حدیث رفع را مختص شبهات موضوعیه می‌دانند زیرا «ما» در «ما اضطرنا الیه» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در «ما لا یملكون» هم به قرینه سیاق مراد شبهات موضوعیه است. جواب: اسم موصول در تمام موارد به یک معنا است و آن به معنای شیء است و در نهایت می‌توان گفت که مصادیق «ما» مختلف است و تفاوت در مصداق موجب از بین بردن وحدت سیاق نیست.

۹- عبارت «الإعتراض الأول علی أدلة البرائة الشرعیة هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البدوی دون المقترن بالعلم الاجمالی و واضح ان الفقیه لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت التكاليف فلا یمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کنند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بلیه، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااحمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۶۴ و ۲۶۷ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالااحمال عبادات دارد [عقلاً یا عقلاً] پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه شود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست].

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایسان را به همراه مثالی تبیین نمایند. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط کافی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تعقیب عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تعقیب بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقصور نیست] به معنای امر به تعقیب نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تعقیب بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- اعتراض آیه الله خوبی (ره) را در عبارت «اعتراض السید الاستاذ یأنه یلزم فی التعریف ان یكون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال ان التعریف الاستصحاب بالحکم بقاء ما کان لیس کذلک و یناسب افتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الاماریة یلزم تعریفه بالیقین بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

جواب: آیه الله خوبی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کند که ملازم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می‌دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می‌دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۳- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحه زراره: «قلت له: الرجل ینام و هو علی وضوء، اتوجب الخففة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یتستیق انه قد نام ... و لا ینقض الیقین ابداً بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آبی الحصول است، در نتیجه بقای ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است. جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدیث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لا ینقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند]

۱۴- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ - ۲ نمره

جواب: ۱. یقین به حدوث ۲. شک در بقاء ۳. وحدت قضیه مشکوک و متیقن ۴. ترتب اثر بر بقاء حالت سابق

۱۵- مراد از «حیثیت تقیدیة» و «حیثیت تعلیلیة» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، صیغ بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را انامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «سیف بودن» را مقوم موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقیدیة می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتعبر بالحجاسة متنجس» در این صورت، «تغییر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است. اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیة می‌نامند.

**اختصاصی نیمه حضوری**

سهم اول ۱۵-۲۴  
بسته ۹۹

شماره پرسنل: .....  
شماره پرسنل: .....  
شماره پرسنل: .....  
شماره پرسنل: .....

نام نام خانوادگی: .....  
نام پدر: .....  
کد ملی: .....  
مدرسه: .....

۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شرعی، بنابر قاعده قبح بالایمان چیست؟ ص ۲۳۹ و ۲۴۰

الف. برائت   
ب. استصحاب   
ج. اشتغال عقلی   
د. احتیاط شرعی

۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶

الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال   
ب. شک در مکلف به و مجرای برائت   
ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال   
د. شک در تکلیف و مجرای برائت

۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۵

الف. رکن اول   
ب. رکن دوم   
ج. رکن سوم   
د. رکن چهارم

۴- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة جزء ولكن شككنا في عمومها للمريض او اختصاصها بالصحيح» نسبت به وجوب سوره برای مريض چه حکمی جاری می شود؟ ص ۲۶۸ و ۲۶۹

الف. استصحاب   
ب. احتیاط   
ج. برائت   
د. توقف

۵- در کدام مورد «تقص یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷

الف. قاعده مقتضی و مانع   
ب. اصل استصحاب   
ج. قاعده یقین   
د. اصل اشتغال

۶- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض اليقين بالشك ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۸۲

الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و كون السائل ظاناً بالحدث.   
ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقضه بيقين آخر».   
ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غير المعتبر.   
د. لا؛ لان الشك لا يشمل الظن وضعاً.

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا...» (سایر، ۱۴۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲۴۲ - ۲۴۳

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه مجازة (و مباحنه) را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجان» و «نیافتن دلیل» بیان می کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل (بر حکم شرعی)» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعی» است.

اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تسریع نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. (به عبارت دیگر: مکلف نمی تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می کند - با اثبات یا نفی برائت شرعی، بیگانه است.)

آخرین ویرایش: ۱۴۰۳ هـ

۷- چهار ویژگی واجب گیری را نام ببرید.

۸- دلیل قائلین به «کفایت تعدد عنوان در رفع تنافی اجتماع امر و نهی حتی با وحدت معنوی» را تبیین کرده، چرا بنا بر تقریب مرحوم نائینی از «تنافی» یعنی تنافی بین «نهی از حصه» و «ترخیص در تطبیق» این دلیل وجه نیست؟

۹- دو دلیل بر «اقتضاء الحرمة لبطان العادة» را به اختصار نوشته، چه تفاوتی در نتیجه دارند؟

۱۰- استدلال محقق اصفهانی از «برائت عقلیه» بر صینای «قیح ظلم» تقریر کرده و جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

۱۱- اعتراض مطروح در عبارت «قد یعترض علی الاستدلال بآیه (و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا) علی البرائة الشرعية بان الآیه الکریمه انما تنفی العقاب لاستحقاقه والجواب...» را تبیین کرده، جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

۱۲- با توجه به عبارت «ان حسن الاحتیاط کحسن الطاعة و قبح المعصية واقع فی مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعی و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعیین فی هذه المرحلة لا یستتبعان حکماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتباتی می باشد.

۱۳- نظر شهید صدر از «در باره ملازمه بین «حکم عقل نظری» و «حکم شارع» را با دلیل تبیین نماید.

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۰۱۷۱۷۳۱۴۴۳۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»

## امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

شماره اول ۹۲-۹۳  
شماره دوم و اصول و فروع ۹۰

شماره اول: ۳۹۲۱/۶۵  
شماره دوم: ۱۳۹۲/۱-۹۲  
سطح: ۳  
کتاب: دروس فی علم الأصول (المعلقة لثالثه)  
مدرس: آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر خراسانی  
محل: دفتر انتشارات اسلامی، قم، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۹

نام و نام خانوادگی:	شماره:	کلاس:	محل:

۱- مرد و بازگشت وظائف عملیه عقلیه در حقیقت به چیست؟ ۱۸

الف. اصله الاشیاء

ب. قاعده الاشتغال

ج. حق المقامه اثباتاً و نفیاً

د. قاعده قبح العقاب بلا بیان

۲- طبق مسلک شهید صدر، حکم اولی عقل به وجوب رعایت احتمالات، مقید به چیست؟ ۴۰

الف. عدم اثبات تکالیف قطعی

ب. عدم اثبات تکالیف احتمالی

ج. عدم ترخیص قطعی از شارع

د. عدم ترخیص احتمالی از شارع

۳- حدیث «کل شیء مطلق حتی برد قیه نهی» در چه صورت بر برانث شرعی دلالت می کند؟ ۴۹ ۲

الف. اذا كان الورد بمعنى الوصول.

ب. اذا كان الورد بمعنى الصدور.

ج. اذا كان الورد بمعنى الوجود.

د. سواء كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور.

۴- نظر شهید صدر، در مورد امکان جریان اصل مؤمن در اطراف علم اجمالی چیست؟ ۱۰۰

الف. ثبوتاً فقط در برخی اطراف ممکن است.

ب. اثباتاً و ثبوتاً در هیچ طرف ممکن نیست.

ج. اثباتاً در همه اطراف ممکن است.

د. ثبوتاً در همه اطراف ممکن است.

۵- با اضطرار به طرف معینی از اطراف علم اجمالی (در صورتی که اضطرار قبل از علم اجمالی حاصل شود)، کدام رکن علم اجمالی از بین می رود؟ ۱۳۶ و ۱۳۷

الف. رکن اول

ب. رکن دوم

ج. رکن سوم

د. رکن چهارم

۶- علم اجمالی در مثال: «علم المرأة إجمالاً - إذا ضاعت عليها أيام العادة - بحرمة المكث في المسجد في بعض الأيام من الشهر» چه نامیده می شود؟ ۱۵۴

الف. علم اجمالی به فرد مرد

ب. علم اجمالی به تدریجیات

ج. علم اجمالی به اقل و اکثر

د. علم اجمالی به قصیر و طویل



۹- با توجه به عبارت «هناک اعتراض: ان السیره مردوع عنها بالآیات الناهیه عن العمل بالظن واجاب المحقق الاصفهانی: ان ظهور العمومات المدعی ردعها لا دلیل علی حجیته لان الدلیل علی حجیه الظهور هو السیره العقلانیة و مع انعقادها علی العمل بخبر الثقة لا یمکن انعقادها علی العمل بالظهور المانع عن ذلك» جواب محقق اصفهانی (ره) از اشکال را تبیین کرده، رد شهید صدر (ره) بر آن را بنویسید. ص ۲۳۸ - ۲ نمره

جواب: محقق اصفهانی (ره) جواب می‌دهد که بنا بر ادعا رادع سیره بر عمل طبق ظن، ظهور آیات ناهیه است و ظهور به واسطه سیره حجت است، اگر بگوییم سیره بر عمل به خیر ثقه منعقد شده است دیگر نمی‌شود سیره دیگری که مانع این سیره است منعقد شود زیرا عمل به دو نقیض است که استحاله دارد. جواب شهید صدر (ره): معنای انعقاد سیره بر ظهور این است که بوسیله ظهور می‌توان مراد مولی را کشف نموده که منجز نیز هست و این منافات ندارد که سیره عقلاء بر عملی استقرار یابد که با مدلول ظهوری از کلام مولی مخالفت کند. در نتیجه عمل عقلاء با مدلول آیات ناهیه منافات دارد نه اینکه با سیره عقلاء بر عمل طبق ظهور منافات داشته باشد تا منجر به عمل به نقیضین شود.

۱۰- کیفیت پیدایش و حجیت «اصالة عدم النقل» را بیان کرده، چرا در صورت یقین به تغییر وضع و شک در تاریخ آن، نمی‌توان به این اصل تمسک نمود؟ ص ۲۷۴ - ۲ نمره

جواب: این اصل بر اساس یک تخیلی است که در عرف قائم است که منشأ آن ثبات لغت و عدم تغییر آن است، پیشرفت لغت به قدری کند است که باعث شده افراد عرف چنین تلقی کنند که هیچ تغییر و نقلی یا گذشت زمان حاصل نمی‌شود، این تلقی گرچه صحیح نیست و فریبنده است ولی تلقی چنان عام و فراگیر است که موجب شده عقلاء هنگام احتمال تغییر بنا بر الغاء آن بگذارند، و شارع با سکوت خود این بناء را امضاء کرده است. البته حجیت آن به این معنا نیست که شارع نقل و تغییر را مردود نداند، بلکه به این معناست که به این سیره غلط در بین عقلاء راضی است و اهداف و اغراضش از این طریق حاصل می‌شود. (۱ نمره) زیرا سیره در عدم نقل در زمان مشکوک جریان ندارد و این به این خاطر است که بنائات عقلاء بر اساس کاشفیت نوعیه است و چون نقل حالت استثنائی است احتمال آنرا ملغی می‌دانند ولی وقتی نقل محقق شد و در زمانش شک دارند، حیثیت کاشفی نیست تا نفی کنند احتمال تقدم نقل را. (۱ نمره)

۱۱- مراد از «ثبوت الامرین بالضدین علی نحو الترتیب» را توضیح داده، دلیل صاحب کفایه (ره) بر استحاله آن را تبیین کنید. ص ۳۰۸ - ۲ نمره

جواب: قدرت به معنای عام (قدرت تکوینی و عدم ابتلاء به امر ضد) شرط تکالیف است و برای ابتلاء دو معنا متصور است یکی از دو معانی این است که مکلف مشغول به ضد شده باشد یعنی تا زمانی که مشغول به ضد نشده باشد امر فعلیت دارد و این معنای ترتیب است. دلیل صاحب کفایه: محال است زیرا مستلزم این است که هنگامی که مکلف در صدد عصیان تکلیف به انقاذ غریب (ضد) است هر دو تکلیف نسبت به او فعلیت داشته باشد و این محال است، اما فعلیت تکلیف نسبت به انقاذ به دلیل اینکه مجرد در صدد عصیان بودن موجب اسقاط تکلیف نمی‌شود، و اما فعلیت تکلیف نسبت به صلاة به دلیل اینکه هر دو قید قدرت تکوینی و عدم ابتلاء به ضد به نحو اشتغال محقق است. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۱۲- «شروط ترتیب» و «شروط اتصاف» را به همراه مثالی تبیین کرده، منظور از اینکه شروط اتصاف شرط اراده‌اند ولی شروط ترتیب شرط مراد چیست؟ ص ۳۲۴ - ۲ نمره

جواب: شرط اتصاف: شرطی که با وجود آن، فعل به مصلحت [ملاک] متصف می‌شود مانند مرض زیرا تا زمانی که شخص مریض نباشد خوردن دواء برایش مصلحت ندارد- شرط ترتیب: شرطی که با وجود آن مصلحت بر فعل مترتب می‌شود مانند خوردن دواء بعد از طعام - شروط اتصاف شرط اراده‌اند به این معنا که تا زمانی که شخص مریض نشود اراده خوردن دواء نمی‌کند ولی در مورد شروط ترتیب حتی قبل از طعام، اراده برای تناول دواء موجود است ولی به حصه‌ای خاص از تناول که همان تناول دواء بعد از طعام است به این معنا شروط ترتیب شرط مراد هستند.

\* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد:

۱۳- وجه قائلین سقوط حجیت ظهور تضمینی با از بین رفتن ظهور استقلالی را در ضمن مثال بیان نمایید. ص ۲۸۹ - ۲ نمره

جواب: بعضی از اصولیین قائلند که عام بعد از اینکه با مخصص منفصل تخصیص خورد دیگر در باقی حجت نیست یعنی دلالت‌های ضمنیه‌اش از حجیت می‌افتد مثلاً آگه مولی گفت: (اکرم کل من فی الدار) و افراد در خانه ۱۰۰ نفر بودند بعد با مخصص منفصل ۱۰ نفر از آن‌ها را استثنا کرد فهمیده می‌شود که «کل» که از ادات عموم است در معنای حقیقی خودش که استیعاب و عمومیت نسبت به همه افراد است استعمال نشده، یعنی مراد واقعی مطابق با مراد استعمالی و موضوع له نیست، و معنای این کلام این است که ادات عموم در غیر معنای موضوع له استعمال شده است. به عبارت دیگر استعمالش مجازی است؛ یعنی در بعضی از افراد استعمال شده است. خوب حالا که در معنای مجازی استعمال شده، معلوم نیست حتماً در باقی که ۹۰ تا استعمال حقیقی شده باشد؛ بلکه ممکن است در ۸۹ یا ۸۰ یا... استعمال شده باشد؛ زیرا هیچ‌یک از معنای مجازی ترجیحی بر دیگری ندارند؛ پس عام نمی‌تواند در مابقی حجت باشد؛ چون ممکن است مولی لفظ عام را در ۸۰ نفر مجازاً استعمال کرده باشد نه ۹۰ نفر.

														
<h2 style="margin: 0;">امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)</h2>														
<p style="margin: 0;">تهرودوم سال تحصیلی ۱۴-۱۳ رشته فقه و حقوق مهر ۱۳۹۱</p>														
<p style="margin: 0;">مهر مدرسه</p>														
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td colspan="2" style="text-align: center;"> <p style="margin: 0;">رئیس هیئت امین</p> </td> </tr> <tr> <td style="width: 50%; text-align: center;"> <p style="margin: 0;">نام و نام خانوادگی: ..... کد ملی: .....</p> </td> <td style="width: 50%; text-align: center;"> <p style="margin: 0;">شماره پرسنل: ..... استان: .....</p> </td> </tr> </table>	<p style="margin: 0;">رئیس هیئت امین</p>		<p style="margin: 0;">نام و نام خانوادگی: ..... کد ملی: .....</p>	<p style="margin: 0;">شماره پرسنل: ..... استان: .....</p>	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 33%;">کتاب: اصول فقه ۳</td> <td style="width: 33%;">شماره کتاب: ۳۹۳۳/۲۰</td> <td style="width: 33%;">سال: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱</td> </tr> <tr> <td>درس: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة</td> <td>موضوع: اصول فقه ۳</td> <td>تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱</td> </tr> <tr> <td colspan="3" style="font-size: small;">                 جزء اول از ابتدای درس ۶۸ الی مسؤلات بنی المقدمات قبل الفتره تا پایان کتاب (ص ۲۱۴-۲۱۳) و جزء دوم از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ الی انتهای «اختصاص» (ص ۱۱۵-۱۱۴)             </td> </tr> </table>	کتاب: اصول فقه ۳	شماره کتاب: ۳۹۳۳/۲۰	سال: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱	درس: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة	موضوع: اصول فقه ۳	تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱	جزء اول از ابتدای درس ۶۸ الی مسؤلات بنی المقدمات قبل الفتره تا پایان کتاب (ص ۲۱۴-۲۱۳) و جزء دوم از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ الی انتهای «اختصاص» (ص ۱۱۵-۱۱۴)		
<p style="margin: 0;">رئیس هیئت امین</p>														
<p style="margin: 0;">نام و نام خانوادگی: ..... کد ملی: .....</p>	<p style="margin: 0;">شماره پرسنل: ..... استان: .....</p>													
کتاب: اصول فقه ۳	شماره کتاب: ۳۹۳۳/۲۰	سال: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱												
درس: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة	موضوع: اصول فقه ۳	تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱												
جزء اول از ابتدای درس ۶۸ الی مسؤلات بنی المقدمات قبل الفتره تا پایان کتاب (ص ۲۱۴-۲۱۳) و جزء دوم از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ الی انتهای «اختصاص» (ص ۱۱۵-۱۱۴)														

۱- کدام یک از مقدمات زیر، متصف به حرمت غیري می شود؟ جزء اول ص ۳۶۴

الف. انداختن خود در آتش برای خودکشی    
 ب. رفتن نزد همسایه برای غیبت کردن    
 ج. خواندن ادله مسیحیت برای ارتداد    
 د. گذاشتن نردبان برای دزدی

۲- چه نقدي شهید صدر (ره) بر قول به «سببیت در اجزای احکام ظاهری» وارد می کند؟ جزء اول ص ۲۸۰

الف. يستلزم تقویت المصلحة    
 ب. یوجب المخالفة القطعية    
 ج. يساقو عدم الحجية    
 د. یلزم التصویب

۳- با قبول امتناع اجتماع امر و نهی، چرا دلیل نهی بر دلیل امر مقدم می شود؟ جزء اول ص ۳۹۴

الف. اطلاق شمولی نهی اقوی از اطلاق امر است.    
 ب. دلیل خاص، نهی را مقدم کرده است.    
 ج. عبادت منهی عنه مقربیت ندارد.    
 د. ملاک نهی اهم است.

۴- ثمره ای را که بر این فرق اماره و اصل «ان الفرق بينهما ينشأ من ناحية أخذ الشك فی لسان دلیل و عدم أخذه فی لسان دلیل حجیة الامارة» مترتب است، کدام است؟ جزء دوم ص ۱۶

الف. شمول اطلاق اماره نسبت به عالم    
 ب. حکومت دلیل اماره بر دلیل اصل    
 ج. ورود دلیل اماره بر دلیل اصل    
 د. حجیت مثبتات اماره و اصول

۵- اثبات کننده قاعده «حق الطاعة» کدام است؟ جزء دوم ص ۳۹

الف. عقل نظری    
 ب. عقل عملی    
 ج. بناء عقلاء    
 د. روایات

۶- جواب شهید صدر (ره) به اشکال صاحب کفایه (ره): «لا یمكن تصویر الجامع بین التکلیف و الموضوع فی حدیث الرفع لان اسناد الرفع الی التکلیف حقیقی و اسناده الی الموضوع مجازی» چیست؟ جزء دوم ص ۶۱

الف. یمكن اجتماع المجازی و الحقیقی    
 ب. اسناد الرفع الی الموضوع حقیقی    
 ج. اسناد الرفع الی التکلیف مجازی    
 د. اسناد الحقیقی و المجازی واحد

۸- دو دلیل برای عدم وجوب موافقت قطعیه و جواز ارتکاب بعضی از اطراف علم اجمالی در شبهه غیر محصوره، بنویسید. ص ۱۴۱ و ۱۴۵

۲

جواب: ۱. به علت زیاد بودن اطراف علم اجمالی، احتمال افتادن در مخالفت پایین می آید به حدی که اطمینان فعلی به عدم تحقق مخالفت یا ارتکاب بعضی افراد، حاصل می شود و این اطمینان یک مؤمن است که با وجود آن ارتکاب برخی اطراف مجاز می شود.  
۲. رکن چهارم از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل می شود زیرا جریان اصول در جمیع اطراف، منجر به مخالفت قطعی عملی نمی شود. زیرا کثرت اطراف به حدی است که ارتکاب همه آنها برای مکلف ممکن نیست. پس ارتکاب برخی اطراف جایز است.

۲

۹- علم اجمالی به تدریجیات را با ذکر مثال تبیین نمایید. ص ۱۵۴ س ۲

جواب: هرگاه یکی از دو طرف علم اجمالی تکلیف فعلی، اما طرف دیگر تکلیف منوط به زمان تأخر باشد، آن علم اجمالی را علم اجمالی به تدریجیات گویند و مثال آن اینکه زن علم اجمالی دارد که در بعضی ایام ماه مکت در مسجد برای او حرام است.

۳

۱۰- فرق دوران امر بین اقل و اکثر استقلالی با دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی را با مثال ذکر کنید. ص ۱۷۳

جواب: در اقل و اکثر استقلالی نفس اقل تکلیف مستقل دارد لذا عقوبت و ثواب مستقل دارد اما در اقل و اکثر ارتباطی اقل تکلیف مخصوص ندارد و اگر واجب باشد، اقل در ضمن آن واجب به همان وجوب اکثر است. اقل و اکثر استقلالی مثل اینکه شک دارد ۲ درهم بدهکار است یا ۱ درهم، و ارتباطی مثل اینکه نمی داند نماز واجب ۱۰ جزء دارد یا ۹ جزء.

۳

۱۱- وجه دلالت استصحاب بر وجوب احتیاط در مورد دوران بین اقل و اکثر ارتباطی را تبیین کنید. ص ۱۹۶

جواب: در این مورد علم به جامع وجوب داریم که مرکب بین دو فرد است یعنی اقل و اکثر و وجوب اقل با اتیان آن ساقط می شود ولی وجوب اکثر با اتیان اقل ساقط نمی شود پس بعد از اتیان اقل، شک در سقوط جامع وجوب می کنیم و استصحاب بقاء وجوب آن می شود و برای علم به امتثال وجوب جامع باید احتیاط کنیم و اکثر را اتیان نماییم (رساندن مفهوم کافی است).

## امتحانات متمرکز سطح ۳

بیمال دوم ۹۰-۸۹  
گرایش فقه و اصول دروسی مهر ۸۸  
مهر مدرسه

رشته تحصیلی: ۶۰ صبح	شماره کنونی: ۶۰	شماره نام اصح اول	شماره نام اصح دوم
شماره کلاس: ۱۱۴	شماره درس: ۹۰/۳/۲۹	شماره کلاس: ۳	شماره کلاس: ۳
کتاب: دروس فی علم الاصول حلقه نالته			
موضوع: از اول اصول عملیه تا اول استصحاب، جزء دوم از حلقه نالته (ص ۱۵-۲۰۷، از درس اول تا آخر درس ۴۰)			

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... دروسه علمیه: ..... شهرستان: ..... نام استاد: .....

۱- بین کدامیک از اصول زیر، تضادم معقول نیست؟ ص ۲۰ س ۳

الف. الاصول العملیه الشرعیه و الاصول العملیه العقلیه

ب. الاصول العملیه الشرعیه و الاصول العملیه الشرعیه الاخری

ج. الاصول العملیه المحرزة و الاصول العملیه الیحتة

د. الاصول العملیه المحرزة و الاصول العملیه الترتیلیة

۲- حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیہ نهی» در چه صورت بر برائت شرعی دلالت می کند؟ ص ۴۹ س ۲

الف. اذا كان الورد بمعنى الوصول.

ب. اذا كان الورد بمعنى الصدور.

ج. اذا كان الورد بمعنى التتجز.

د. سواء كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور.

۳- شبهات موضوعیه، دائماً چه شکئی را در بر دارند؟ ص ۷۱ س ۷

الف. شک در اصل حکم شرعی

ب. شک در یکی از اطراف حکم شرعی.

ج. شک در قید تکلیف فقط.

د. شک در موضوع تکلیف فقط.

۴- نظر شهید صدر در مورد جریان اصول شرعیه، در جمیع اطراف علم اجمالی چیست؟ ص ۹۶ و ۹۷

الف. لا يمكن جریان الاصول الشرعیه المؤتمنة والمنجزة نبوتاً ولا اثباتاً.

ب. لا يمكن جریان الاصول الشرعیه المنجزة اثباتاً الا أنه ممکن نبوتاً.

ج. يمكن جریان الاصول الشرعیه المؤتمنة عقلاً إلا أن ذلك ليس عقلاً.

د. يمكن جریان الاصول الشرعیه المنجزة عقلاً إلا أنه ممنوع اثباتاً.

۵- به نظر شهید صدر، وجه تمایز اصول عملیه از امارات چیست؟ ص ۱۶ و ۱۷

جواب: اصل عملی، حکمی ظاهری است که در آن اهمیت محصل هنگام تراجم ملاکات واقعی، لحاظ شده است ولی در امارات فقط قوت احتمال در نظر گرفته شده است.

۶- نسبت بین آیه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها»، و أدلهی وجوب احتیاط را تبیین کنید و وجه تقدیم آیه را در صورت تعارض بنویسید. ص ۶۵

جواب: نسبت آن دو عموم من وجه است زیرا آیه به مورد فحص اختصاص دارد ولی أدلهی احتیاط شامل موارد عدم فحص هم می باشد و نیز آیه شامل فعل و مال است ولی أدله احتیاط چنین نیست.

در صورت تعارض آیه مقدم می شود چون دلیل قرآنی و قطعی است.

۷- ارکان منجزیت علم اجمالی را بیان نمایید. ص ۱۱۳ س ۲

جواب: ۱. اصل علم به جامع، ۲. عدم سربایت علم از جامع به فرد، ۳. هر یک از اطراف علم اجمالی فارغ از علم اجمالی مجرای اصل ترخیص باشند. ۴. جریان اصل ترخیص در هر طرفی منشأ ترخیص در مخالفة قطعیه باشند.

۸- وجه تنافی و عدم تنافی در اجتماع امر و نهی از قبیل «صل» و «لا تمسک فی الحمام» را طبق نظر شهید صدر (ره) تقریب نمایید.

۱

۹- دلیل مرحوم نائینی (ره) بر بطلان معامله‌ای که نهی به مسبب تعلق گرفته است را همراه جواب شهید صدر (ره) از آن بنویسید.

۲

۱۰- با توجه به عبارت «و قد اعترض الشیخ الأنصاری (ره) علی دعوی إطلاق اسم الموصول باسئزامة استعمال هیئة القائمة بالفعل و المفعول فی معنیین» اشکال شیخ (ره) بر دلالت آیه شریفه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» یعنی ۴ را توضیح داده و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید.

۳

۱۱- با توجه به عبارت «و النقطة المهمة فی هذه المرحلة إفقه الحدیث تصویر الرفع الوارد فی الحدیث فإنه لا یخلو عن إشکال توضیح ان كثيراً مما فرض رفعه فی الحدیث أمور تكوينية ثابتة وجداناً، و من هنا كان لا بد من بذل عناية فی تصحیح هذا الرفع» مشکل فقه الحدیث «رفع ما لا یعلمون» را توضیح داده و سه احتمالی که در حل آن داده شده است را بیان کنید.

۴

۱۲- با توجه به عبارت «ان حسن الاحتیاط كحسن الطاعة و قبح المعمیة واقع فی مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعی و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعیین فی هذه المرحلة لا یستیمان حکماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید.


۵

❖ سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد.

۱۳- توجیه شیخ انصاری (ره) برای مسئولیت مکلف نسبت به مقدمات مفوتة را همراه نقد شهید صدر (ره) بر آن بنویسید.

۶

«سامانه پیام کوتاه ۰۲۱۷۱۷۱۴۴۷۱۰۰۰ اداره سمنش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سوالات امتحانی می‌باشد»  
 «در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد»



## امتحانات متمرکز تکمیلی (فقه ۳)

تاریخ	۱۳۹۷/۰۲/۲۳
شماره	۱۳۹۵/۰۲/۰۷
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	موسسین علم الاصول ج ۱ و ۲
صفحه	جزء اول از ابتدای درس ۲۸ تا پایان کتاب و جزء دوم از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴

نام و نام خانوادگی	شماره	گروه	کلاس	شعبه	محل

۱- در چه مرحله‌ای قید «علم به حکیم» می‌تواند در موضوع احکام اخذ شود؟

الف. در مرحله مجعول

ب. در مرحله جعل

ج. در مرحله اراده

د. در مرحله ملامت

۲- در صورت قبول «ملازمه بین وجوب شیء» و وجوب مقدمه آن «اگر واجبی علت نامه برای حرامی باشد و ملامت واجب نیز اهم باشد، دلیل وجوب و دلیل حرمت چه رابطه‌ای با هم دارند؟

الف. ورود

ب. تراجم

ج. تعارض

د. نفی در امتثال

۳- نظر کسانی که «اختلاف امر و نهی در زمان فعلیت» را رافع «تناهی اجتماع امر و نهی» می‌دانند، مبتنی بر کدام قاعده اصولی است؟

الف. الاضطرار بسوء الاختیار یعنی الاختیار خطایاً

ب. الاضطرار بسوء الاختیار یعنی الاختیار عقاباً

ج. الاحکام تتعاق بالعناوین و الصور الذهنیه

د. الاطلاق تریخین فی التطبيق او يستلزمه

۴- چگونه برخی امکان «عدم حجیت دلیل عقلی قطعی» را توجیه کرده‌اند؟

الف. نص برخی روایات بر عدم حجیت

ب. تحویل قطع طریقی به موضوعی

ج. تعارض دلیل شرعی با دلیل عقلی

د. نقص عقل در بسیاری موارد

۵- به نظر ایه الله خونی (ره) مجعول در «اصل محرز» چیست؟

الف. العلم بلحاظ مرحله الجری العملی

ب. الحکم الواقعی التزیلی

ج. الظن بلحاظ الکاشفیه

د. العلم بلحاظ الکاشفیه

۶- چرا نمی‌توان به حدیث رفع برای «ابطال بیع شخص مضطر» تمسک نمود؟

الف. چون حدیث رفع اطلاق ندارد.

ب. چون رفع آن با امتنان منافات دارد.

ج. چون حدیث رفع، فقط حکم تکلیفی را برمی‌دارد.

د. چون موضوع حدیث عدم علم است نه عدم اضطرار.

۱۳۹۷/۰۲/۲۳

امتحانات متمرکز تکمیلی اصول فقه ۳

۱۸۰/۳

سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می باشد.

۱۳- جواب شهید صدر: از این اشکال که «ادله وجوب احتیاط مختص به شبهات حکمیه هستند و ادله برائت ایبه شریفه «لَا یُکَلِّفُ

اَللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا مَآءً اَتَتْهَا» یعنی ۴ و حدیث رفع عام می باشند لذا شبهات حکمیه از تحت ادله برائت خارج می شوند» را بنویسید. ص ۶۶ و

۶۵

جواب: نسبت بین ادله وجوب احتیاط و ایبه کریمه، عموم و خصوص من وجه است. چون ایبه اگر چه از جهت شمولش نسبت به شبهات حکمیه و موضوعیه اطلاق داشت ولی از جهت اینکه اختصاص به موارد بعد از فحش دارد. اخص از ادله احتیاط است. چون ادله احتیاط شامل موارد عدم فحش هم می شود. لذا در مورد اجتماعشان یعنی شبهات حکمیه بعد از فحش تعارض می کنند و دلیل قرآنی بخاطر قطعیت سند و سلویش بر دلیل روایی مقدم می شود. و اما نسبت بین ادله وجوب احتیاط و حدیث رفع هم عموم و خصوص من وجه است. چه اینکه حدیث رفع اختصاص به موارد شک بدوی دارد و موارد علم اجتهالی را شامل نمی شود. در حالی که ادله احتیاط عام است و شامل هر دو صورت می شود. لذا در ماده اجتماع یعنی شک بدوی در شبهات حکمیه تعارض می کنند و حدیث رفع بخاطر اینکه موافق اطلاق کتاب است و ادله احتیاط مخالف اطلاق کتاب است. بر ادله احتیاط مقدم می شود.

۷- با توجه به عبارت «أن الفرق بينهما ينشأ من اختلافهما في نسخ المجمعول في دليل حجية الأمانة و دليل الأصل، فالمجمعول في الأول الطريفة مثلا، و في الثاني الوظيفة العملية، أو التنزيل منزلة اليقين بلحاظ الجری العملي بدون تضمن لجعل الطريفة» فرق بین اصول عملیه و امارات را از دیدگاه مرحوم نائینی رحمه الله به همراه مثال تبیین کنید. ص ۱۵

جواب: مجمعول در امارات طریقت یقینی و کاشفیت نام است. یعنی شارع اماره را نازل منزله علم قرار داده در کاشفیت و طریقت، بطور علم کاشف از واقع است شارع اماره را هم کاشف از واقع قرار داده است مانند خبر واحد که هر چند کاشفیت آن ناقص است ولی شارع با حجت بختیمن به آن نقصانش را نادیده گرفته است. (نمره) اما مجمعول در اصول عملیه با تعیین وظیفه عملی مکلف است در مقام شک بدون اینکه کاشفیت داشته باشد، مثل برکت که اصلا کاشفیت ندارد و یا تنزیل است. یعنی شارع اصل را به لحاظ مقام عمل نازل منزله یقین قرار داده بدون جعل طریقت مثل اصل استصحاب که شارع حکم مستصحب را بمنزله یقین قرار داده است. (۱ نمره)

۸- استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَعْزُومًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْقَالَ أَوْسٍ» (جم: ۱۴۵) بر برائت را تبیین نمایید و با توجه به عبارت «أن إطلاق العنان كما قد يكون بلحاظ أصل عملي قد يكون بلحاظ عمومات الحل التي لا يرفع اليد عنها إلا بمخصص واصل» اشکال شهید صدر رحمه الله بر استدلال را بنویسید. ص ۴۴ و ۴۵

جواب: تقریب استدلال: [در احتیاج یا یهود که خوردن جلالها را حرام کرده بودند خدا این آیه را بر پیامبر نازل کرده است. که به آنان بگو در آنچه به من وحی شده است حرامی نمی بینم مگر این چند مورد] از این احتجاج فیهیسه می شود نیافتن حکم در شریعت دلیل حکم به ایضا کردن است. چون پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید حرامی در شریعت نمی بینم مگر... پس غیر از اینها مباح است. نقد شهید صدر رحمه الله: آیه ممکن است ناظر به تمسک به عموم ادله حلیت باشد مثل آیه: «هو الذي خلق لكم ما فی الارض جميعا که دلالت بر ایضا هر چیزی می کند مگر اینکه دلیل خاصی آن را خارج کند» یعنی همه چیز جلال و مباح است مگر اینکه دلیلی آن را تخصیص بزند، حال که مخصصی نیافتیم پس به عمومات حل تمسک می کنیم. در حالی که مطلوب در استدلال به آیه استفاده حلیت ظاهری و تأمین از عقاب است در جایی که دلیلی بر حکم مشکوک پیدا نکنیم. با توجه به این احتمال دلیل مجمل است و دیگر نمی توان بر برائت استدلال نمود.

۹- چرا بحث «منجزیت علم اجمالی با قطع نظر از اصول ترخیصیه شرعیه» فقط بر اساس مسلک قبیح بلبیان قابل توجیه است؟ ص ۸۵

جواب: بدلیل اینکه طبق این مسلک همه اطراف علم اجمالی مشکوک است و برائت در همه آنها جاری است. و اگر این اطراف بخواد منجز باشد باید منجزی برای آنها بیاید که قائلین قبیح عقاب بلبیان می گویند منجز این اطراف، علم اجمالی است. لذا باید از حدود منجزیت علم اجمالی و توانایی آن در اخراج اطراف شبهه از تحت قاعده قبح عقاب بحث کنیم. ولی طبق مسلک حق الطاعه، هر جا احتمال تکلیف داده بشود منجز است لذا اطراف علم اجمالی خود بخود منجز است. نه بخاطر علم اجمالی.

۱۰- یکی از موارد استثناء عدم جواز جریان اصل مؤمن در بعضی اطراف علم اجمالی را با توجه به عبارت «ما إذا كان في أحد طرفي العلم الإجمالي أصل واحد مؤمن و في الطرف الآخر أصلان طولیان» با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۰۹

جواب: در جایی که یک طرف علم اجمالی یک اصل ترخیصی داریم و در طرف دیگر دو اصل ترخیصی طولی داریم. و مراد از طولی بودن دو اصل این است که یکی از این اصلها حاکم بر دیگری باشد و موضوع آن را تمیذ بردارد. (۱ نمره) مثلاً علم اجمالی داریم به نجاست یکی از دو ظرف الف و ب، و حالت سابقه الف را می دانیم که پاک بوده ولی حالت سابقه ظرف ب را نمی دانیم. لذا در ظرف ب فقط اصاله الطهاره جاری می شود و در ظرف الف اصاله الطهاره و اصل استصحاب، ولی چون استصحاب موضوع اصاله الطهاره را بر می دارد بر آن حاکم است چون با جریان استصحاب تمیذ علم به طهارت ظرف الف پیدا می کنی و دیگر شک در آن نداریم تا اصاله الطهاره جاری بشود؛ پس فقط اصل استصحاب جاری می شود (البته بنا بر اینکه بگوییم استصحاب بر اصل طهارت حاکم است). (۱ نمره)


۱۱- چرا انحلال «علم اجمالی» با امارات و اصول، حکمی است نه حقیقی؟ ص ۱۳۲

جواب: با قیام اماره یا اصل بر معلوم اجمالی و تنجیز آن، رکن سوم علم اجمالی که طبق مسلک صحیح جریان اصول ترخیصیه در اطراف علم اجمالی می باشد، مخدوش می شود - زیرا فردی که اماره یا اصل بر تنجیز آن قائم شده است مورد جریان اصل ترخیصی نمی تواند باشد - لذا اصل ترخیصی در بقیه افراد بدون معارض جاری می شود عدم انحلال حقیقی [اختلال در رکن دوم] از این جهت است که علم به جامع یا سریان علم از آن به فرد منتحل شود که در اینجا بخاطر نبود علم این سریان منتفی است.

۱۲- مرحوم شهید صدر رحمه الله در دوران امر بین مخدورین می فرماید «إن هذا العلم الاجمالي يستحيل أن يكون منجزاً لأن...» تعلیل ایشان را در استحاله تنجیز بیان نماید. ص ۱۶۶

جواب: زیرا در تکلیف به وجوب موافقت قطعیه و حرمت مخالفت قطعیه غیرمقتور مکلف است، مکلف نمی تواند فعل را هم بیاورد و هم ترک کند. اما تنجیز علم اجمالی نسبت به یک طرف هم غیرمعمول است، زیرا نسبت علم اجمالی به اطراف مساوی است و تنجیز یک طرف معنایش ترجیح بالمرجح است.





## امتحانات مرکز تکمیلی (سطح ۳)

شماره ثبت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵۸  
شماره: ۳  
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵  
موضوع: فقه

نام و نام خانوادگی	شماره پرسنلی	شماره ثبت	شماره

۱- آیا در مقام اثبات، بین دو اصل عملی عقلی، تعارض امکان دارد؟

الف. لا، لعدم تاقص بین اذکارین عینین

ب. لا، لامکان رفعه بالتخصیص و الحكومة

ج. نعم، ولكن یرتفع بالتخصیص و الحكومة

د. نعم، لوقوع تعارض الاصول کثیراً فی الفقه

۲- به نظر شهید صدر (ره) در موضوع کدام یک از احکام زیر «اخذ علم به وجوب نماز جمعه» ممکن است؟

الف. حرمة صلاة الجمعة

ب. استحباب صلاة الجمعة

ج. وجوب اداء عند رؤية الهلال

د. وجوب صلاة الجمعة الممائل للوجوب المتأخوذ فيها

۳- در صورتی که واجب اهم از حرام باشد، اگر مکلف پس از ارتکاب مقدمه حرام، ذی المقدمه واجب را اتیان نکند، طبق نظر کدام گروه چنین شخصی مرتکب حرام نشده است؟

الف. متکثرین مطلق ملازمه

ب. قائلین به مطلق ملازمه

ج. قائلین به ملازمه در مقدمه موصله

د. قائلین به ملازمه و متکثرین ملازمه

۴- یا قبول امتناع اجتماع امر و نهی، چرا دلیل نهی بر دلیل امر مقدم می شود؟

الف. ملاحظه نهی اهم است

ب. عبادت منهی عنه مقررات ندارد

ج. دلیل خاص، نهی را مقدم کرده است

د. اطلاق شمولی نهی اقوی از اطلاق امر است

۵- دلیل محقق ثانیه (ره) بر قاعده قبح عقاب بلا بیان چیست؟

الف. لیس من زی العبودية الا بخلاف العبد مولاه فی الواقع

ب. لیس مخالفة عدم الحجة خروجاً من زی العبودية

ج. لا مقتضی للتحرك مع عدم وصول التکالیف

د. ان التکالیف مع عدم الوصول لیس حقیقاً

۶- نظر شهید صدر (ره) درباره «حکم عقل عملی» چیست؟

الف. اعتباری

ب. واقعی

ج. عقلانی

د. جملی

۷- اشکال مطرح در عبارت «يعرفون الواجب الغيري بأنه ما وجب لغيره وقد لوحظ عليهم: ان الصلاة ونحوها من الواجبات لم يوجبها الشارع إلا لما يترتب عليها من المصالح فيصدق عليها أنها وجبت للغير، وهذا يعني ان كل هذه الواجبات تصحح غيرية» را تبیین کرده، جواب آن را بنویسید.

۲

۸- شبهه مفهومی و مصداقیه در مخصّص را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۹۹ و ۲۰۰ س ۱۵ و ۱-۲ نمره

جواب: شبهه مفهومی: در فرض شک در نفس مفهوم خاص به این نحو که مجمل باشد مثل «کل ماء طاهر الا ما تغيّر طعمه او لونه او ريحه» که مراد از تغییر معلوم نیست که خصوص تغییر حسی است یا شامل تغییر تقدیری هم می‌شود.

شبهه مصداقیه: در فرض شک در دخول فردی از افراد عام در خاص است با اینکه مفهوم خاص واضح است و اجمالی ندارد مانند همان مثال سابق که شک می‌شود فلان آب آیا با نجاست تغییر کرد تا داخل در حکم خاص شود یا تغییر نکرد و همچنان طاهرست.

۹- سه قولی که در بحث «تعقیب العام بضمیر یرجع الی بعض افراد» وجود دارد را بیان نموده و مختار مصنف را مشخص نمایید. ص ۲۱۱

۲- نمره

جواب: ۱. اصالة العموم جاری می‌شود و ضمیر به بعضی از افراد عام رجوع می‌کند؛ ۲. اصالة عدم الاستخدام جاری می‌شود و از لفظ عام خصوص بعضی از افراد آن که ضمیر به آن‌ها رجوع می‌کند اراده می‌شود؛ ۳. هیچ یک از دو اصل بالا جاری نمی‌شود بلکه کلام مجمل می‌شود و به اصول عملیه رجوع می‌شود.

مختار مصنف: جریان اصالة العموم. (رساندن مفهوم جواب یا تعابیر دیگر نیز درست است.)

۱۰- اعتبارات ماهیت را نام ببرید و ضمن توضیح آن‌ها فرق «مهمله» و «لابشروط مقسمی» را بیان کنید. ص ۲۲۸ و ۲۲۹-۲ نمره

جواب:

اعتبارات ماهیت عبارتند از: ۱. ماهیت بشرط شیء: یعنی ماهیتی که با چیزی خارج از خود مقایسه و مشروط به آن امر در خارج در نظر گرفته شود. ۲. ماهیت بشرط لا: ماهیت مقایسه شده با خارج که مشروط به عدم آن شیء در نظر گرفته شود. ۳. ماهیت لابشروط: ماهیتی که با قطع نظر از وجود یا عدم امر خارجی لحاظ شود. «لابشروط مقسمی» ماهیتی است که با خارج مقایسه شده است و مقسم اقسامی قرار گرفته است ولی «مهمله» آن است که مقایسه با خارج نشده و فقط نظر به ذات و ذاتیات شده است.

۱۱- اقسام انصراف را از حیث منشأ انصراف، نام برده و بیان کنید که کدام یک مانع از تمسک به اطلاق کلام است؟ ص ۲۴۲ و ۲۴۳-۲ نمره

جواب: ۱. انصرافی که ناشی از ظهور لفظ در مقید باشد یعنی بخاطر کثرت استعمال لفظ در آن معنی این مقید از آن ظاهر می‌شود. (۷۵- نمره) ۲. انصرافی که از لفظ ناشی نشود بلکه از سبب خارجی باشد مثل غلبه وجود فرد منصرف الیه یا متعارف بودن این فرد منصرف الیه (۷۵- نمره) تنها در صورت اول، انصراف مانع از تمسک به اطلاق است. (۵- نمره)

۱۲- دو وجه اجمال در آیه شریفه «و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مانده: ۳۸) را بیان فرمایید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱-۱ نمره

جواب: ۱. به خاطر لفظ «قطع» که هم بر «پا» اطلاق می‌شود و هم بر «جرح» ۲. به جهت لفظ «ید» که هم بر کل دست اطلاق می‌شود و هم بر کف دست تا اصول اصابع و هم بر دست تا مچ و هم بر دست تا آرنج. (رساندن مطلب کافی است.)

سؤالات زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- به نظر مصنف (ره) در صورتی که دلیل عام و خاص معلوم التاریخ باشند و خاص زودتر از عام صادر شود و دلیل عام بعد از وقت عمل به خاص برسد، آیا عام ناسخ است یا مخصّص؟ چرا؟ ص ۲۲۰ و ۲۲۱-۲ نمره

جواب: عام تخصیص می‌خورد (۵- نمره) زیرا عمومیت عام فقط بر مراد جدی بودن آن دلالت دارد نه اینکه مدلول آن حکم واقعی باشد که ناسخ خاص شود، و چون ظهور خاص اقوی است بر عموم عام مقدم می‌شود و آن را تخصیص می‌زند [یا زیرا با تقدّم خاص هیچ ظهوری برای دلیل عام در عمومیت منقذ نمی‌شود بلکه از آغاز وجود خاص مقدم قرینه‌ای بر تخصیص است.] (۷۵- نمره) (رساندن مفهوم یک دلیل کافی است.)

<h2 style="text-align: center;">امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)</h2> <p style="text-align: center;">شهریور سال تحصیلی ۹۵-۹۴ رشته‌های فقه، تاریخ، اخلاق و ادبیات عرب و روسی هر ۴۲</p>																									
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="text-align: center;">روز هفته</td> <td style="text-align: center;">تاریخ</td> <td style="text-align: center;">ساعت برگزاری</td> <td style="text-align: center;">مدت امتحان</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">شنبه</td> <td style="text-align: center;">۱۴ شهریور</td> <td style="text-align: center;">۱۰ صبح</td> <td style="text-align: center;">۷۰ دقیقه</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">یکشنبه</td> <td style="text-align: center;">۱۵ شهریور</td> <td style="text-align: center;">۱۰ صبح</td> <td style="text-align: center;">۸۰ دقیقه</td> </tr> </table>	روز هفته	تاریخ	ساعت برگزاری	مدت امتحان	شنبه	۱۴ شهریور	۱۰ صبح	۷۰ دقیقه	یکشنبه	۱۵ شهریور	۱۰ صبح	۸۰ دقیقه	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 20%;">کتاب:</td> <td style="width: 20%;">اصول فقه مظفر</td> <td style="width: 20%;">نسخه:</td> <td style="width: 20%;">۳۹۴۳/۱۲</td> </tr> <tr> <td>جلد اول و دوم، از ابتدای عام و خاص تا پایان مجلد و مسن (ص ۲۵۶-۱۸۹)</td> <td>موضوع:</td> <td>اصول فقه ۲</td> <td>تاریخ:</td> </tr> <tr> <td>مهر مدرسه</td> <td>نوع سوال:</td> <td>تعدد</td> <td>نوع پاسخ:</td> </tr> </table>	کتاب:	اصول فقه مظفر	نسخه:	۳۹۴۳/۱۲	جلد اول و دوم، از ابتدای عام و خاص تا پایان مجلد و مسن (ص ۲۵۶-۱۸۹)	موضوع:	اصول فقه ۲	تاریخ:	مهر مدرسه	نوع سوال:	تعدد	نوع پاسخ:
روز هفته	تاریخ	ساعت برگزاری	مدت امتحان																						
شنبه	۱۴ شهریور	۱۰ صبح	۷۰ دقیقه																						
یکشنبه	۱۵ شهریور	۱۰ صبح	۸۰ دقیقه																						
کتاب:	اصول فقه مظفر	نسخه:	۳۹۴۳/۱۲																						
جلد اول و دوم، از ابتدای عام و خاص تا پایان مجلد و مسن (ص ۲۵۶-۱۸۹)	موضوع:	اصول فقه ۲	تاریخ:																						
مهر مدرسه	نوع سوال:	تعدد	نوع پاسخ:																						
نام و نام خانوادگی: _____ نام پدر: _____ مدرسه: _____ کلاس: _____ شهر: _____ استان: _____																									

۱- استفاده عموم از لفظ «کل» از چه طریقی است؟ ص ۱۹۲

الف. عقل   
 ب. وضع   
 ج. اطلاق   
 د. عقل و وضع

۲- با فرض شبهه مفهومیه در خاص، در کدام صورت می‌توان به عام تمسک نمود؟ ص ۱۹۹ تا ۲۰۱

الف. مخصص متصل و دوران امر بین اقل و اکثر   
 ب. مخصص متصل و دوران امر بین متباینین   
 ج. مخصص منفصل و دوران امر بین متباینین   
 د. مخصص منفصل و دوران امر بین اقل و اکثر

۳- دلیل مصنف (ره) بر جواز «تخصیص قرآن با خبر واحد» چیست؟ ص ۲۱۷

الف. تقدیم سنت قطعی السند بر ظواهر ظنی کتاب   
 ب. تقدیم اصالت عدم کذب راوی بر اصالت عموم   
 ج. تقدیم تمام روایات بر ظواهر و نصوص قرآنی   
 د. اجمال آیات قرآن و وضوح دلالت اخبار آحاد

۴- تقابل بین اطلاق و تنقید در کلام چه نوع تقابلی است؟ ص ۲۲۵ تا ۱۴

الف. ملکه و عدم ملکه   
 ب. تناقض   
 ج. تضایف   
 د. تضاد

۵- نظر مصنف در مورد موضوع له اسماء اجناس چیست؟ ص ۲۳۷

الف. ذات المعنی به نحو لا بشرط قسمی   
 ب. ماهیت لا بشرط مقسمی   
 ج. ماهیت من حیث هی   
 د. ماهیت مبهمه مبهمه

۶- در کدام گزینه بین مطلق و مقید تنافی وجود ندارد؟ ص ۲۴۶

الف. فی الغنم زکاة - لیس فی الغنم المملوقة زکاة   
 ب. اشرب اللبن - لا تشرب اللبن الحامض   
 ج. فی الغنم زکاة - فی الغنم السائمة زکاة   
 د. اعتق رقبة - اعتق رقبة مومنة

۷- اشکال کسانی که می‌گویند «عموم بدلی از اقسام عموم نیست» را توضیح داده و نقد نمایند. ص ۱۹۱ تا ۸ - ۲ نمره

جواب: توضیح: بعضی معتقدند که احتساب عموم بدلی از اقسام عموم، یک نوع مسامحه است؛ زیرا بدلیت با عموم منافات دارد. از طرفی عموم یعنی شمول و فراگیری همه‌ی افراد و از طرف دیگر بدلیت یعنی اینکه یک فرد از افراد [به صورت لا علی التبعین] مورد نظر است. پس در عموم بدلی [متعلق یا] موضوع حکم فقط یک فرد است در حالی که عموم اقضا دارد که همه افراد، [متعلق یا] موضوع حکم باشند.

نقد: مراد از عمومیت در عموم بدلی این است که هر فردی از افراد صلاحیت دارد که موضوع و متعلق حکم قرار بگیرد اگر چه بالفعل تنها یک فرد [متعلق یا] موضوع حکم است. آنچه که از عموم بدلی اراده می‌شود بیش از این نیست تا اشکال وارد گردد.

۸- تفاوت جریان هر یک از «اصالة الحقیقة» و «اصالة العوالم» را تبیین نمایید. ص ۷۴ - ۶ نمره

جواب: هرگاه شک در اراده معنای حقیقی یا اجزایی نبود و قرینه هم وجود نداشته باشد اصالة الحقیقة جاری می‌شود و هرگاه لفظ عامی وجود داشته باشد و شک شود که آیا عموم اراده شده است یا اینکه تخصیص خورده است و قرینه‌ای هم وجود نداشته باشد اصالة العوالم جاری می‌شود.

۹- اگر موضوع له اسامی عبادات، اعم از صحیح و فاسد باشد؛ آنگاه شبهه تصویر جامع موضوع له بین مراتب عبادات را شرح داده و آن را نقد کنید. ص ۸۷ س ۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در وضع باید واضع موضوع له را تصور کند؛ در حالی که صلاة چه صحیح و چه فاسده دارای مراتب کثیره و مصادیق مختلفه است؛ مثل نماز حاضر و مسافر، قائم و جالس، فاقد یک شرط یا چند شرط و مصادیق دیگر. پس معنا و مصادیق صلاة، دائم در حال تغییر و تبدل است. اشکال این است که چگونه امکان دارد یک قدر جامع بین تمام مراتب را تصور کرد تا موضوع له لفظ صلاة بشود؟

دفع: قبول داریم اجزاء صلاة متبادل و جایجا می‌شود و مراتب و مصادیق دارد ولی هیچ کدام مانع از تصور یک قدر جامع نمی‌شود؛ زیرا در ماهیت مرکباتی که اجزایی دارند [که برخی از آن‌ها وجودشان برای وجود یافتن مرکب، متعین و لازم است و برخی لا بشرطند] تصور قدر جامع ممکن است به این که تمام اجزای صلاة را تصور کرده بعد صلاة را برای عنوان کلی که در همه مراتب محفوظ است وضع کنیم؛ زیرا هر چند افراد عوض می‌شوند ولی عنوان کلی و قدر جامع به حال خود باقی است؛ مثل لفظ کلمه که هر چند حروف در کلمات عوض شود از کلمه بودن خارج نمی‌شوند. [رساندن مفهوم کافی است.]

۱۰- منشأ شبهه عدم جریان بحث مشتق در اسم زمان و جواب مصنف از آن را بیان نمایید. ص ۹۹ و ۱۰۰ - ۲ نمره

جواب: یکی از شرایط جریان نزاع در مشتق این است که مشتق دارای ذات و صفتی باشد که اگر صفت زائل شود، ذات باقی بماند (تا بحث کنیم انصاف آن به ما انقضی عنه المبدأ صحیح است یا خیر؟) در حالی که در اسم زمان با زوال صفت، ذات هم زائل می‌گردد (بخاطر آن که زمان متصرف الوجود است و با آمدن زمان لاحق، زمان سابق منعدم خواهد شد). (۱ نمره)

جواب مصنف: این اشکال وقتی وارد است که برای اسم زمان یک لفظ خاص مستقلی وجود داشته باشد، در حالی که هیئت اسم زمان برای اعم از اسم زمان و مکان وضع شده است، یعنی برای جامع آن دو وضع گردیده است، لذا به خاطر همین معنای جامع صحیح است به خاطر اسم مکان که قابلیت انصاف به مالنقضی عنه المبدأ را دارد، آن را داخل در محل نزاع بدانیم. (۱ نمره)

۱۱- مفهوم موافق و مخالف را با ذکر مثال تعریف کنید و مراد از نزاع در حجیت مفهوم چیست؟ ص ۱۵۶ و ۱۵۷ - ۲ نمره

جواب: مفهوم موافق: مفهومی که حکم در آن موافق سخن حکم موجود در منطوق است. مثل: دلالة اولویة در «لا تقل لهما اف» بر نهی از ضرب و شتم والدین. مفهوم مخالف: مفهومی که حکم در آن با سخن حکم موجود در منطوق مخالف است. مثل: مفهوم شرط در مثال: «ان جاء فاکرمه». ← «ان لم یجىء زید فلا یجب اکرامه».

نزاع در حجیت مفهوم در حقیقت نزاع در وجود دلالت بر مفهوم است یعنی آیا جمله ظهور در مفهوم دارد یا خیر؟ و الا اگر جمله ظهور داشت قطعاً حجت است.

۱۲- دو مورد از ادله قائلین به مفهوم وصف را به همراه پاسخ آن بیان کنید. ص ۱۷۲ - ۲ نمره

جواب: ۱. اگر وصف ب انتفاء حکم هنگام انتفاء وصف دلالت نکند فایده‌ای نخواهد داشت؛ (۵/۰ نمره) جواب: فایده وصف منحصر نیست در اینکه به حکم مربوط باشد بلکه محدود کردن موضوع حکم و مفید نمودن موضوع نیز به عنوان فایده وصف کافی است. (۵/۰ نمره)

۲. وصف مشعر به علیت است لذا لازم است که حکم منوط به آن باشد؛ (۵/۰ نمره) جواب: این مشعر بودن هر چند مسلم است اما تا زمانی که به اندازه ظهور نرسد برای دلالت بر مفهوم کفایت نمی‌کند. (۵/۰ نمره)

۳. اصل در قیود این است که احترازیه باشد. جواب: این مسلم است ولی معنای احتراز تضییق دایره موضوع و اخراج ماسوای قید از شخص حاکم بر اوست.


۴. استدلال به جمله‌هایی که دلالتشان بر مفهوم ثابت شده است. مثل «مطل الغنی ظلم»

جواب: ما دلالت تقیید به وصف را در جایی که قرینه باشد نفی نمی‌کنیم بلکه موضوع بحث ما جایی است که وصف فقط خودش باشد نه قرینه. (ذکر دو مورد کافی است.)

\* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- تفاوت میان دلالت اقتضاء و تنبیه را بیان نموده برای هر یک مثال بزنید. ص ۱۸۶ س ۷ - ۲ نمره

جواب: در دلالت اقتضاء صدق کلام یا صحت آن متوقف بر آن دلالت است ولی در دلالت تنبیه اینگونه نیست و فقط سیاق کلام بگونه‌ای است که به خاطر این دلالت قطع حاصل می‌شود به اراده آن لازم و یا اینکه عدم اراده‌ی آن لازم بعید می‌نماید. مثال برای دلالت اقتضاء: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام به تقدیر احکام و آثار؛ و مثال برای دلالت تنبیه: انی عطشان برای دلالت بر طلب آب.



## امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

شهریور سال تحصیلی ۹۵-۹۴  
رشته لغوی، تاریخ، اخلاق و ادبیات عرب و روزی مهر ۹۴

وقت:	صبح ۱۰:۰۰	وقت امتحان: ۳۰ دقیقه
وقت:	صبح ۱۰:۰۰	وقت امتحان: ۸۰ دقیقه
نام و نام خانوادگی:	شماره برگه:	شماره برگه:
نام و نام خانوادگی:	شماره برگه دوم:	شماره برگه:

کتاب:	۳۹۲۳/۰۵
موضوع:	۲۳۹۵/۰۶/۰۷
موضوع:	اصول فقه ۱
کتاب:	اصول فقه مظفر
صفحه:	جلد اول و دوم، از ابتدای کتاب تا ابتدای عام و خاص (ص ۱۸۸-۲۷) به استثنای اواخر و توابع (ص ۱۵۲-۱۰۵)

نام و نام خانوادگی: ..... شهر: ..... مدرسه: ..... استان: .....

۱- حکمی که به خاطر «جهل به حکم واقعی» ثابت می‌شود، چه نام دارد؟ دلیل دال بر آن چیست؟ ص ۵۰

الف. اضطراری - فقهاتی

ب. ظاهری - فقهاتی

ج. ثانوی - اجتهادی

د. واقعی - ثانوی

۲- «وضع» در کدام گزینه «نوعی» است؟ ص ۶۷ و ۶۸

الف. وضع «الذی» برای صله.

ب. وضع «ان» برای بیان شرطیت.

ج. وضع «انسان» برای حیوان ناطق.

د. وضع هیات «فاعل» برای اسم فاعل.

۳- به نظر مصنف (ره) منشأ «أصالت حقیقت و أصالت عموم» چیست؟ ص ۷۵ و ۷۶

الف. اصالت ظهور

ب. اصالت اشتراک

ج. اصالت عدم نقل

د. اصالت عدم تقدیر

۴- کدام گروه از کلمات، همگی مشتق در علم اجرام است؟ ص ۸۷

الف. آخ - عالم - رقی

ب. آخ - عالم - عظیم

ج. آخ - عالم - ناطق

د. عالم - عظیم - ناطق

۵- دلالت جمله شرطیه بر انحصار شرط به موجب چه امری است؟ ص ۱۶۲

الف. صحت حمل

ب. اطلاق

ج. اطراد

د. وضع

۶- مفهوم غایت در عبارت «صم حتی تغیب الشمس» کدام است؟ ص ۱۷۴

الف. لا یجب الافطار بعد ان تغیب الشمس

ب. یجب الصوم قبل ان تغیب الشمس

ج. لا یجب الصوم بعد ان تغیب الشمس

د. افطر بعد ان تغیب الشمس

۷- به نظر مصنف (ره) آیا دلالت تابع اراده است؟ توضیح دهید. ص ۶۵ و ۶۶ - ۲ نفره

جواب: بله (۱/۲۵) نمژه زیرا دلالت عبارت است از اینکه از دال به مدلول برسیم و در دلالت‌های وضعی مدلول ما موضوع له است نه صرف انتقال ذهن و تداعی معانی [که موضوع له نیستند] و الفاظ بر معانی شان وضع شده‌اند به این صورت که متکلم از بیان لفظ معنای آن را اراده می‌کند نه صرف انتقال ذهن در نتیجه دلالت در الفاظ تابع اراده است. مثلاً با شنیدن لفظ متکلم به مقصود و مراد او برسیم و بفهمیم که او می‌خواسته است، آن معنی را به ما بفهماند، بنابر این تا وی قصد معنا را نکرده باشد، اصلاً مقصودی وجود ندارد تا بر آن دلالت کند. (۱/۷۵) نمژه (رساندن مفهوم پاسخ کافی است).


به نام خدا

نمونه سوالات اصول فقه 3

سطح 2

برای دانلود نمونه سوالات و جزوات حوزه های علمیه خواهران  
به ادرس زیر مراجعه کنید.

<https://bankejozavatehoze.kowsarblog.ir/>



## امتحانات سترکز عمومی (سطح ۲)

شهر: تهران سال تحصیلی: ۹۳-۹۴  
تاریخ: ۲۹ بهمن ۹۳  
ساعت: ۹۰ دقیقه

شماره برگه	شماره برگه	شماره برگه	شماره برگه
شماره برگه	شماره برگه	شماره برگه	شماره برگه

نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_

شماره پرسنلی: \_\_\_\_\_

شماره ثبت نام: \_\_\_\_\_

۱- اگر شارع در «سیره عقلاء» فقط عمل خارجی را امضاء کند، سیره چه احکامی را البات می‌کند؟

الف. جواز عمل

ب. احکام خصه

ج. حکم وضعی

د. همه احکام

۲- یا کدام احتمال در روایات «من بلغ» قاعده «تسامح در ادله سنن» البات می‌شود؟

الف. الارشاد الی حکم العقل

ب. جعل الحجية لمطلق اللوغ

ج. انشاء استحباب واقعی نفسی

د. الوعد العولوی لمصلحة فی نفس الوعد

۳- در کدام مرحله از حکم، اخذ قید «علم به جمل» امکان دارد؟

الف. مطبخت

ب. اراده

ج. جعل

د. مجبول

۴- مراد از عبارت «ان الاوامر متعلقة بالافراد و ليس بالطائغ» در بحث «وجوب تخییری» چیست؟

الف. ارجاع وجوب عقلی به وجوب مشروط

ب. ارجاع وجوب شرعی به وجوب مشروط

ج. ارجاع وجوب شرعی به وجوب عقلی

د. ارجاع وجوب عقلی به وجوب جامع

۵- اگر کسی زراعت دیگری را برای انقاد غریق تلف کند ولی بعد از التلافی، غریق را نجات ندهد، در صورت امتناع اجتماع امر و نهی یا چه میثابی «اتلاف» جایز است؟

الف. قبول وجوب غیری در مقدمه موصله

ب. قبول وجوب غیری در مطلق مقدمه

ج. قبول وجوب غیری عقلی نه شرعی

د. عدم قبول وجوب غیری مطلقاً

۶- اشکال استدلال به «مقدمیت عدم شد» برای البات «وجوب فعل، مقتضی حرمت شد خاصش است» چیست؟

الف. مخالفت قطعیه

ب. تسلسل


ج. لموتیت

د. دور

۷- چهار عامل موثر در حساب احتمالات برای حجیت اجتماع را نوشته، تاثیر هر کدام بر حساب احتمالات چگونه است؟

۱۰۰

امتحانات سترکز عمومی: اصول فقه ۳ - ۹۳/۹۴



## امتحانات سراسر عمومی (سطح ۲)

سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴  
شماره ثبت: ۹۸۰۹۰۰۰۰۰۰۰۰  
شماره ثبت: ۹۸۰۹۰۰۰۰۰۰۰۰

نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره ثبت	شماره ثبت	شماره ثبت
نام	شماره ثبت	شماره ثبت	شماره ثبت	شماره ثبت

۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مدلول سیره عقلانیه تا چه حدی حجت است؟

الف. مختص بالمعامل المباشر فيه عقلاً فی عصر المعصوم.  
 ب. لا یصل علی اکثر من الجواز الا بتت حکم الوصی.  
 ج. بمقدار المعارس من السلوک خاصه.  
 د. بمقدار النکته المرکوزه العقلانیة.

۲- «عدم ردع» در کدامیک از سیره‌های عقلانیه و متشرعه شرط است؟

الف. برخی اوقات سیره متشرعه  
 ب. سیره عقلانیه و متشرعه  
 ج. فقط سیره عقلانیة  
 د. فقط سیره متشرعه

۳- در فرضی که روایات ناهیه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خودشان شامل عمل به ظواهر کتاب نیز بشوند، چه نسبتی بین «سیره متشرعه بر عمل به ظواهر» و «اتلاق روایات ناهیه» وجود دارد؟

الف. روایات چون دلیل لفظی است مقدم می‌شود.  
 ب. روایات، سیره را ردع کرده و مقدم می‌شود.  
 ج. اطلاق روایات، مقید سیره متشرعه است.  
 د. سیره متشرعه، مقید اطلاق روایات است.

۴- کدامیک از مراتب تکلیف به تعلق شهید مشروط به قدرت است؟

الف. ابدان و اراده  
 ب. حمل و ابدان  
 ج. ملاک و اراده  
 د. ملاک و ابدان

۵- اگر واجب تخییری را به شکل واجب مشروط تفسیر کنیم، چه لازمه‌ای دارد؟

الف. تعدد العقاب بترک کلا الأمرین معاً.  
 ب. تعدد الامتثال باتیان کلا الأمرین معاً.  
 ج. عدم جواز التقرب باحد العدلیین بخصوصه.  
 د. عدم تعدد الملاک فی الأمرین المختلفین.

۶- در چه صورتی دو خطاب «اکرم عالماً» و «لا تکرّم زید العالم»، با یکدیگر قابل اجتماع هستند؟

الف. تعلق وجوب به جامع و عدم سرایش به حصص  
 ب. بازگشت وجوب «اکرم» به وجوه مشروطه  
 ج. تعلق وجوب به جامع و سرایش به حصص  
 د. وجود مادی وجوب در اکرام زید

۷- دو نکته کاشفیت سکوت از اتمتاء در عبارت «و کاشفیه السکوت عن الامضاء یمن ان توجه بنکتین، عقلیه و استظهاریه» را توضیح دهید.

امتحانات سراسر عمومی اصول فقه ۲ - ۱۳۹۳/۹۴



۹- تخریب دلالت آیه شریفه نفر بر وجوب حشر را بیان نمایید و با توجه به عبارت «أن وجوب الحشر مترتب علی عنوان الانتذار دون الإخبار» اشکال آن را توضیح دهید.

۱  ۲

۱۰- به نظر شهید چرا استدلال به آیه شریفه «فَوَالَّذِي نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مَلَكًا أَيْتَاتُ مُحْكَمَاتٍ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ وَأَخْرَجَ مُتَشَابِهَاتٍ...» در سری «برای عدم حجیت ظواهر قرآن صحیح نیست؟ (دو وجه بیان نمایید)

۱  ۲

۱۱- مراد از قضیه عقلیه تحلیلیه و ترکیبیه را با ذکر مثال تبیین نمایید.

۱  ۲

۱۲- انواع قیود واجب و معیار شناخت آنها را توضیح دهید.

۱  ۲

۱۳- در ضمن یک مثال کیفیت حل مسائل مقدمات مقومه را با پذیرش شرط متأخر تبیین نمایید.

۱  ۲

۱۴- دلیل کسانی که می گویند ثبوت وجوب غیر لمره ندارد را بیان نمایید و نمره ای که شهید برای آن بیان می کند را به همراه مثال بتوسیع.

۱  ۲

۱۵- کیفیت استدلال به قیاس و استقراء برای استنباط حکم شرعی و دلیل بطلان آن دو را بیان نمایید.

۱  ۲

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۰۱۷۱۷۱۴۴۶۱ اداره سنجش معادلت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و تقاضات پیرامون سوالات امتحان می باشد.»  
«در صورت ارسال پیام کوتاه، شماره گد امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و پیگیری ضروری می باشد.»

مستندات حقوقی در سری اصول فقه ۳ - ۱۳۳۱، ۱۳۳۲

بسم الله الرحمن الرحیم  
در خصوص استماع را توضیح می فرمایند  
لا ازم قدر اول حصار علی واعتر مفسریه نعمت و ان احتمال کافیه  
و التوابع ... والنحن

۹- تخریب دلالت آیه شریفه نفر بر وجوب حشر را بیان نمایید و با توجه به عبارت «أن وجوب الحشر مترتب علی عنوان الانتذار دون الإخبار» اشکال آن را توضیح دهید.

□ □

۱۰- به نظر شهید چرا استدلال به آیه شریفه «فَوَالَّذِي نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ وَأُخْرٌ مُتَشَابِهَاتٌ...» «در سر» برای عدم حجیت ظواهر قرآن صحیح نیست؟ (دو وجه بیان نمایید)

□ □

۱۱- مراد از قضیه عقلیه تحلیلیه و ترکیبیه را با ذکر مثال تبیین نمایید.

□ □

۱۲- انواع قیود واجب و معیار شناخت آنها را توضیح دهید.

□ □

۱۳- در ضمن یک مثال کیفیت حل مسائل مقدمات مقومه را با پذیرش شرط متأخر تبیین نمایید.

□ □

۱۴- دلیل کسانی که می گویند ثبوت وجوب غیر لمره ندارد را بیان نمایید و نمره ای که شهید برای آن بیان می کند را به همراه مثال بتوسیع.

□ □

۱۵- کیفیت استدلال به قیاس و استقراء برای استنباط حکم شرعی و دلیل بطلان آن دو را بیان نمایید.

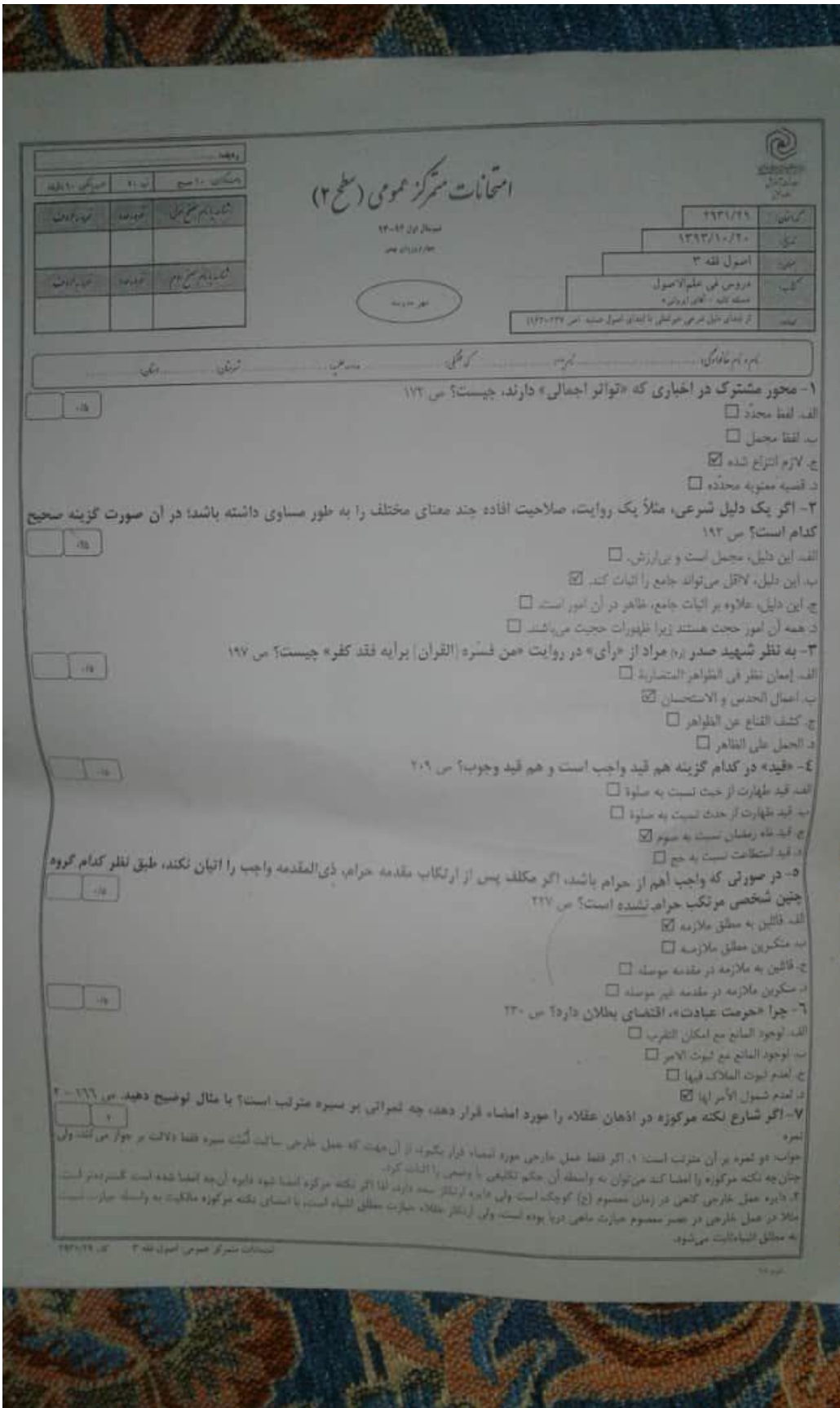
□ □

«سامانه پیام کوتاه ۰۲۱۷۷۸۴۴۶۱۰۰۰۰ اداره سنجش معادلت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و اطلاعات پیرامون سؤالات امتحان می باشد.»  
«در صورت ارسال پیام کوتاه، شماره گزین امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و به روزگاری ضروری می باشد.»

مستندات حقوقی سرپرست امورال نهج ۳ - ۱۳۹۲/۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم  
در خصوص استماع و توجیه در مواردی که از اقامت و اولی الامرین و اعتراف مسلمین بر حقیقت و اولی الامرین است

والله اعلم



امتحانات سترکز عمومی (سطح ۲)

اسفند ماه ۱۳۹۶  
شماره ۱۳۹۶/۳۳

شماره پرسشنامه



نام و نام خانوادگی	نام خانوادگی	نام	شماره پرسشنامه
میرزا محمدعلی	میرزا محمدعلی	۳۳	۱۳۹۶/۳۳
نام پدر	نام خانوادگی	نام	شماره پرسشنامه

شماره پرسشنامه	۱۳۹۶/۳۳
تاریخ	۱۳۹۶/۳۳
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	فروع فی علم الاموال مکتب لایه - آثار آیت الله العظمی
صفحه	از تعداد کل پرسشنامه ۱۳۹۶/۳۳

نام و نام خانوادگی: میرزا محمدعلی  
نام خانوادگی: میرزا محمدعلی  
نام: میرزا محمدعلی  
شماره پرسشنامه: ۱۳۹۶/۳۳

۱- محور مشترک در اخباری که «تواتر اجمالی» دارند، چیست؟ ۱۷۲

الف. لفظ محدد

ب. لفظ محتمل

ج. لازم اتزان شده

د. قسبه معنویه محذره

۲- اگر یک دلیل شرعی، مثلاً یک روایت، صلاحیت افاده چند معنای مختلف را به طور مساوی داشته باشد؛ در آن صورت گزینه صحیح کدام است؟ ۱۷۳

الف. این دلیل، مجمل است و بی ارزش.

ب. این دلیل، لاقط می تواند جامع را اثبات کند.

ج. این دلیل، علاوه بر اثبات جامع، ظاهر در آن امور است.

د. همه آن امور حجت هستند زیرا ظهورات حجت می باشند.

۳- به نظر شهید صدر (ره) مراد از «رای» در روایت «من شئره القرآن» برایه فقد کفر» چیست؟ ۱۷۴

الف. ایمان نظر فی الظواهر المتضاربه

ب. اعمال الحدیث و الاستحسان

ج. کشف القناع عن الظواهر

د. الحمل علی الظاهر

۴- «قید» در کدام گزینه هم قید واجب است و هم قید وجوب؟ ۲۰۹

الف. قید طهارت از حیث نسبت به سنویه

ب. قید طهارت از حدت نسبت به سنویه

ج. قید ماه رمضان نسبت به صوم

د. قید استطاعت نسبت به حج

۵- در صورتی که واجب اهم از حرام باشد، اگر مکلف پس از ارتکاب مقدمه حرام، ذی المقدمه واجب را اتیان نکند، طبق نظر کدام گروه چنین شخصی مرتکب حرام نشده است؟ ۲۱۷

الف. فاضلین به مطلق ملازمه

ب. منکرین مطلق ملازمه

ج. فاضلین به ملازمه در مقدمه مومنه

د. منکرین ملازمه در مقدمه غیر مومنه

۶- چرا «حرمت عبادت»، اقتضای بطلان دارد؟ ۲۳۰

الف. لوجود المانع مع امکان التفریب

ب. لوجود المانع مع نیت الامر

ج. لعدم نیت الملائک فیها

د. لعدم حصول الامر ایا

۷- اگر شارع لکنه مرکوزه در اذهان عقلاء را مورد امضاء قرار دهد، چه تصرفاتی بر سیره متقلب است؟ یا مثال توضیح دهید. ۲۶۶ - ۲۶۷

نعمه

جواب: دو نعمه بر آن مترتب است: ۱. اگر فقط عمل خارجی مورد تمیضاء قرار بگیرد، از آن جهت که عمل خارجی سائلت گشته سیره فقط دالالت بر جواز می کند ولی چون چه لکنه مرکوزه را امضاء کند می توان به واسطه آن حکم تکلیفی یا وضعی را اثبات کرد.

۲. دایره عمل خارجی گاهی در زمان مضموم (ح) کوچک است ولی دایره ارتکاز سعه دارد لذا اثر لکنه مرکوزه تمیضاء دایره آن چه امضاء شده است گسترده تر است.

۳. دایره عمل خارجی گاهی در عصر مضموم عبارت ماهی دریا بوده است ولی ارتکاز عقلاء عبارت مطلق اشیا است، با استناد لکنه مرکوزه ملاکیت به واسطه عبارت است.

۴. دایره عمل خارجی در عصر مضموم عبارت ماهی دریا بوده است ولی ارتکاز عقلاء عبارت مطلق اشیا است، با استناد لکنه مرکوزه ملاکیت به واسطه عبارت است.

به مطلق اشیا ملاکیت می شود.

۸- مراد از «خصائص عامه» و «خصائص نسیبه» در تواتر را با مثال توضیح دهید. ص ۱۷۲ - ۲ نمره

جواب: خصائص عامه: هر خصوصیتی که با قطع نظر از آورنده خبر، به صحت یا کذب خبر کمک می‌کند از خصوصیات عامه به‌شمار می‌رود. مثل غریب بودن قصه‌ای که نقل شده است. هر مقدار این قسبه عجیب و غریب باشد مؤید دروغ بودن آن است. لذا باورش سخت‌تر است و نیاز به تواتر بیشتری دارد و هر مقدار قسبه بائوس‌تر باشد درستی آن است و با تواتر کمتر به آن یقین حاصل می‌شود.

خصائص نسیبه: با توجه به اینکه راوی قابل‌اعتماد باشد، هر خصوصیتی که به صحت و کذب خبر کمک کند از خصائص نسیبه به‌شمار می‌رود. مثل اینکه یک راوی غیر امانی خبری را نقل کند که دلالت بر امانت اهل بیت (ع) می‌کند. احتمال صحت این خبر یا توجه به خصوصیتی که ذکر شد قوی‌تر است زیرا امانت این خبر برای او مصلحتی نداشته باشد تا انگیزه دروغ گفتن داشته باشد.

۹- حجیت سیره عقلاء نیازمند «عدم ردع شارع» است. عدم ردع را با توجه به امکان ردع و عدم وصول آن، اثبات کنید. ص ۱۷۸ - ۲ نمره

جواب: از آن جهت که سیره عقلاء مستحکم است لازم است که نهی به صدور مکرر و مناسب با لغت آن از مولی در ردعش صادر شود و اگر بولس درباره آن متدد باشد توجه راویان را به خود معطوف می‌کند و درباره آن سوال و جواب‌های فزونی بین آنان و آینه (ع) رد و بدل می‌شود و از آن جهت که انگیزه برای غل این بولس وجود دارد اگر به دست ما نرسد می‌فهمیم که شارع آن سیره را افساد کرده است و اگر نه حتماً ردعش به دست ما می‌رسد.

۱۰- دو جواب شهید صدر (ره) بر استدلال به روایت «ما علمتم انه من قولنا فالزموه» و ما لم تعلموا فزوه اینا» برای نفی حجیت خبر واحد را بنویسید. ص ۱۷۷ - ۷۵ نمره

جواب: اولاً این روایت از خبر واحد ضعیف است که دلیلی بر حجیتش ندارد. ثانیاً این روایت خودش را نیز شامل می‌شود، چرا که صدورش معلوم نیست و علم نداریم از ائمه باشد و احتمال هم نمی‌دهیم که خصوصیتی داشته باشد که موجب ردعش یا بقیه اخبار بشود تا خودش را شامل شود. لذا حجیتش منقطع است زیرا دلالت بر عدم حجیت خودش می‌کند. (۱ نمره)

۱۱- چرا فقط ظهور تصدیقی می‌تواند موضوع حجیت ظواهر باشد و ظهور تصویری نمی‌تواند؟ ص ۱۷۳ - ۱/۵ نمره

جواب: زیرا معنای حجیت، اثبات مراد مستکتم است. به وسیله کلاخ و ظهور تصدیقی گانف این مراد است. در حالی که ظهور تصویری از آن جهت که فقط موجب احتیاط و تسویر معنا است، کشف از چیزی نمی‌کند تا به دنبال اثبات کردن آن باشیم.

۱۲- دلیل استثناء ظواهر کتاب از تحت حجیت ظواهر در عبارت «ان القرآن الکریم داخل تحت قسم المجمل و لیس تحت الظاهر» را نوشته. جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۲ نمره

جواب: زیرا عقاید متعال یا تمدن آن را مجمل قرار داده است تا مردم برای فهم آن نیازمند امام (ع) باشند. اینک واقعیت قرآن از آن جهت که مشتمل بر مفاهیم و معانی بالایی است، چینی انضمامی دارد که فهمش مشکل باشد.

سایح شهید، اما وجه اول صحیح نیست زیرا تعدد شارع در احوال گوی، مخالف حکمت برول قرآن است و مرتبط شدن با امام (ع) هم فرع این است که بر اصل دین حجیت قائم شود که این حجت جز از طریق فهم قرآن ممکن نیست.

و وجه دوم صحیح نیست زیرا اولاً بودن مفاهیم قرآن نباید به گونه‌ای باشد که موجب تقویت هدف قرآن که هدایت است شود. لذا برای اینکه هدف هدایت محقق شود باید معانی قابل فهم باشند. [نوشتن یک دلیل و جواب آن کفایت می‌کند]

۱۳- مراد از شرط متأخر را در ضمن یک مثال تبیین نمایید و دلیل قائلین به استحاله شرط متأخر را بنویسید. ص ۲۱۱ - ۲ نمره

جواب: به شرطی که از جهت زمانی متأخر از وجوب یا واجبه باشد شرط متأخر گفته می‌شود. مثل غسل استنجاسه شب یک شبه که شرط صحت زوره روز شبه است. یعنی مشروط که روزه است. مشروط است بر صحتی که فراتر است شب آورده شود.

وجه استحاله: شرط است به مشروط مانند علت به معلول است. مفسور علت نمی‌تواند متأخر از معلول باشد شرط هم نمی‌تواند متأخر از مشروط باشد.

۱۴- تحقیق شهید صدر (ره) درباره اجتماع امر و نهی در جایی که اختلاف متعلق آن‌ها به اطلاق و تقیید است را طبق مبانی مختلف تبیین نمایید. ص ۲۲۳ و ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: مثلاً امر به طبعی نماز نطق گرفته است و نهی به حصای از نماز مثل نماز در حمام شده می‌فرماید متعلق وجوب به طبعی مستدعی تخیر عطفی این حصی نماز است. یعنی مکلف هر فرقی از نماز را می‌تواند ایجاب کند. (۱ نمره) با توجه به این مطلب، اگر گفتیم که تخیر عطفی به نحو وجوبات مشروطه است. یعنی هر حصای از نماز وجوب مشروط دارد. در این صورت حصای که متعلق نهی قرار گرفته است هم متعلق وجوب است و هم حرمت و از آن‌جا که اجتماع دو حکم متعالی محال است اجتماع امر و نهی منقطع است.

اگر قائل به وجوبات مشروطه شدیم و گفتیم وجوب به جامع نطق گرفته است. ولی از آن به فرادش حرایث می‌کند یا لاقلاً حدی شارع به آن‌ها نطق می‌گیرد. در این صورت هم لازم می‌آید اجتماع وجوب و حرمت یا حد و نهی بر نهی واحد که این هم محال است و در نتیجه اجتماع امر و نهی طبق این مبنا هم منقطع است. اگر قائل به نطق جمعی به جامع شدیم ولی حرایث یا بیدارباش، متعلق وجوب و حرمت دو شیء مختلف می‌شود و دیگر اجتماع امر و نهی بر نهی واحد نیست تا قائل به انشاع شویم. (۱/۵ نمره)

۱۵- به همراه مثال توضیح دهید چرا بعد از وقوع شدن اضطرار در صورتی که «امر اضطراری عقیده به شمول اضطرار به تمام وقت نباشد»، نیازی به اعاده نیست؟ ص ۲۲۲ - ۲ نمره

جواب: کسی که در اول وقت به دلیل ضعف جسمی شسته نماز می‌خواند واجب نیست پس از برطرف شدن ضعف داخل وقت، نماز را اضافه کند زیرا امر به نماز شسته نطق گرفته و این امر تعیینی نیست زیرا می‌تواند صبر کند و نماز را آخر وقت بعد از برطرف شدن ضعف بخواند پس این امر تجزیوی است و به دو نحو می‌تواند این تخیر را فرض نمود. ۱- بین نماز اضطراری در حال حجز و نماز اختیاری در حال قدرت. ۲- تخیر بین جمع نماز اضطراری و اختیاری و نماز اختیاری که در این صورت تخیر بین اقل و اکثر است که غیر معمول پس نحوه اول تخیر صحیح بوده و معنای تخیر این است که هر کدام را استمال کند کفایت می‌کند پس نیازی به اعاده نیست.

## امتحانات عمومی سطح ۲

شماره برگه: ۹۰۰۰۰

شماره برگه: ۹۰۰۰۰

نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره برگه
نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره برگه

کتابخانه	۱۱۲/۹۲۲۲
کتاب	۹۱/۳/۹۷
عنوان	اصول فقه ۳
کتاب	درس فی علم الاموال (المصلحة الثانية)
صفحه	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان درس ۲۰

نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره برگه	نام درس	گروه علمی	شماره ثبت	نام درس
--------------------	-----------	------------	---------	-----------	-----------	---------

۱- کدام گزینه از «خصائص نسبیة» در تقسیم احتمال خیر متواتر محسوب می شود؟  
 الف. شدت وفاق معتبر   
 ب. مترقیه بودن مفاد خیر   
 ج. فراغت محتوای خیر فی نفسه   
 د. مخالفت مفاد خیر با اعتقاد معتبر

۲- اگر تقیید موضوع حکم به قید «علم به حکم» را محال و تقابل اطلاق و تقیید را تقابل سلب و ایجاب بدانیم، کدام گزینه صحیح خواهد بود؟  
 الف. اطلاق محال و احکام مختص به عالم هستند.   
 ب. اطلاق ضروری و احکام مختص به عالم هستند.   
 ج. اطلاق ضروری و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند.   
 د. اطلاق محال و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند.

۳- مورد نزاع اصولیون در موضوع «وجوب مقدمه واجب» کدام است؟  
 الف. آیا مقدمات واجب و وجوب شرعی خیری دارند یا نه؟   
 ب. آیا مقدمات واجب و وجوب عقلی نفسی دارند یا نه؟   
 ج. آیا مقدمات واجب و وجوب عقلی خیری دارند یا نه؟   
 د. آیا مکلف مسئول ایجاد مقدمات عقلیه و شرعیه است یا نه؟

۴- «وثاقت» در حجت خیر تقه باید چگونه لحاظ شود تا خیر «شخصی که راستگویی او محرز نیست اما قرائنی ظنی به صحت خیر او داریم» حجت باشد؟  
 الف. طریقیت   
 ب. موضوعیت   
 ج. طریقیت و سببیت   
 د. سببیت و سببیت

۵- مکلف مسئول ایجاد قید در کدام نوع از قیود است؟  
 الف. قید وجوب و واجب   
 ب. قید وجوب   
 ج. قید واجب   
 د. قید موضوع

۶- در فرضی که روایات ناهیه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خودشان شامل عمل به ظواهر کتاب نیز بشوند، چه نسبتی بین «سیره منتشره بر عمل به ظواهر» و «اطلاق روایات ناهیه» وجود دارد؟  
 الف. روایات چون دلیل لفظی است مقدم می شود.   
 ب. روایات، سیره را راجع کرده و مقدم می شود.   
 ج. اطلاق روایات، مقتد سیره منتشره است.   
 د. سیره منتشره، مقتد اطلاق روایات است.

۷- چگونه می‌توان ثابت کرد که ردعی از جانب معصوم (ع) نسبت به سیره عقلانی معاصر ایشان، صادر نشده است؟  ۲

۸- نحوه استدلال به آیه شریفه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» برای اثبات «حجیت خبر واحد» را تبیین کرده، یک نقد بر استدلال آن بنویسید.  ۲

۹- دو خصوصیتی را که «مروی خبر عادل» برای حجیت باید داشته باشد، به همراه دلیل آن بنویسید.  ۲

۱۰- موضوع «حجیت ظواهر»، ظهور ناشی از دلالت تصویری است یا تصدیقی؟ چرا؟  ۱

۱۱- با ذکر دلیل توضیح دهید؛ قدرت در کدام یک از مراحل حکم دخالت دارد و در کدام مرحله دخالت ندارد؟  ۲

۱۲- مراد از «واجب معلق» را به همراه مثال توضیح دهید.  ۱/۵

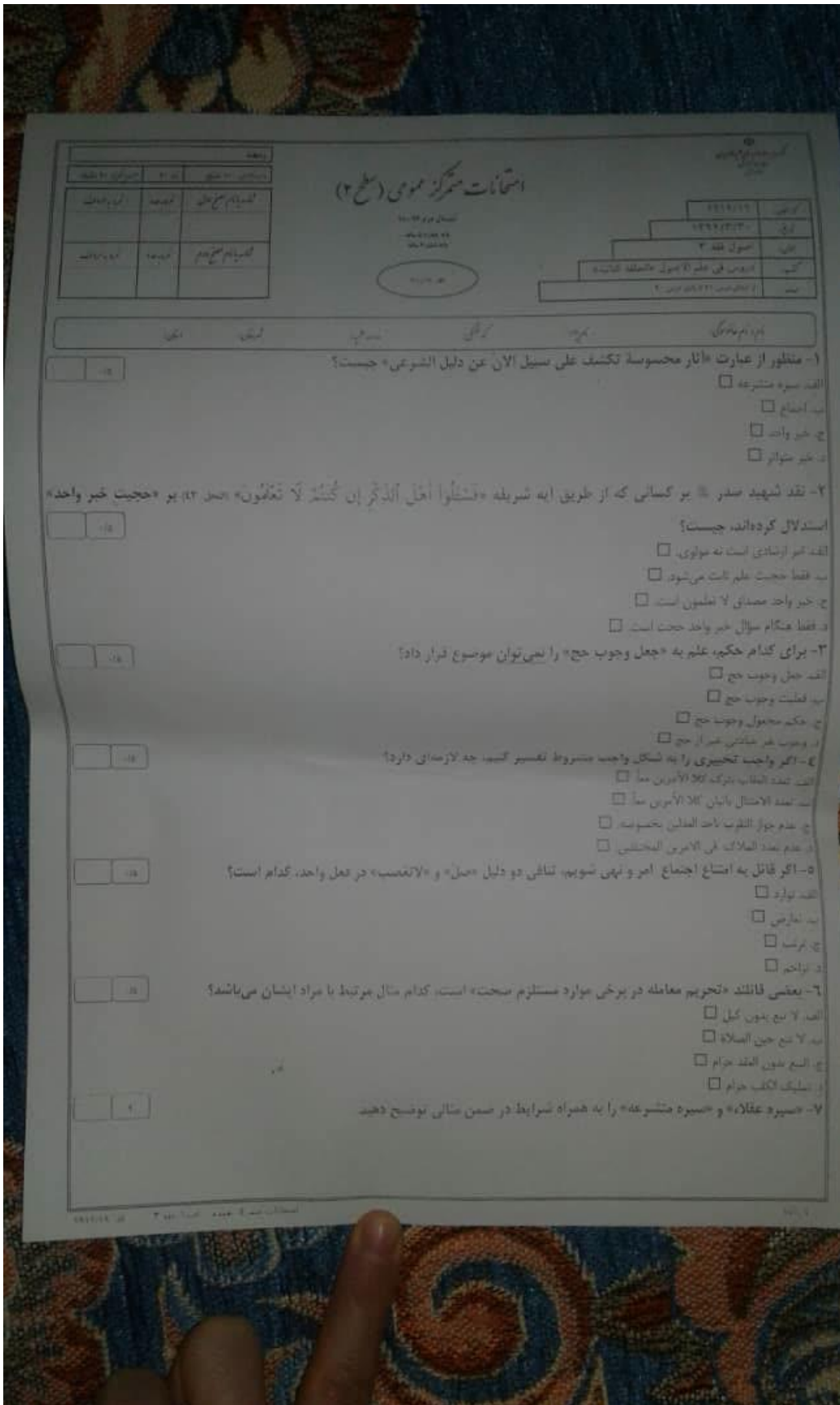
۱۳- آیا می‌توان فرض کرد، نماز گزار شرعاً مختار باشد بین «سلام دوم» و «سلام دوم و سوم»؟ توضیح دهید.  ۱

۱۴- بنا بر نظر شهید صدر (ره) آیا بین «وجوب مقدمه» و «وجوب ذی‌المقدمه» در مقام «جعل» و «اراده» تلازم وجود دارد؟ چرا؟  ۲

۱۵- معامله به معنای «سبب» و «مسبب» را توضیح داده، آیا نهی از معامله به معنای سبب، مقتضی بطلان معامله است؟ چرا؟  ۲

۱۶- دلیل کسانی که قائل به عدم حجیت «دلیل عقلی قطعی» هستند را بیان کرده، نقد شهید صدر (ره) را بر آن بنویسید.  ۱/۵

همانته پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۱۴۲۲۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.  
در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.



امتحانات مرکز عمومی (مخ)

نام و نام خانوادگی	شماره پرسنلی	تاریخ
نام و نام خانوادگی	شماره پرسنلی	تاریخ

تاریخ	
ردیف	
نام	
کلاس	
مدرس	
موضوع	

پایه: ...  
 رشته: ...  
 گرایش: ...  
 درس: ...

- ۱- منظور از عبارت «أثار محسوسة تكشف على سبيل الأمان عن دليل الشرع» چیست؟  
 الف. سوره مشرعه  
 ب. اجماع  
 ج. خبر واحد  
 د. خبر متواتر
- ۲- تقد شهيد صدر «... بر کسانی که از طریق این شریفه «تَشَلُّوا أَعْلَى الْأَذْكَرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْمَلُونَ» (سنن ۱۲) بر «حجیت خبر واحد» استدلال کرده‌اند، چیست؟  
 الف. خبر ازشادی است نه مولوی.  
 ب. فقط «حجیت علم ثابت می‌شود»  
 ج. خبر واحد مصداق لا یتضمن است.  
 د. فقط هنگام سؤال خبر واحد حجت است.
- ۳- برای کدام حکیم، علم به «جعل وجوب حج» را نمی‌توان موسوع قرار داد؟  
 الف. جعل وجوب حج  
 ب. فعلت وجوب حج  
 ج. حکم جعل وجوب حج  
 د. وجوب خبر متواتر غیر از حج
- ۴- اگر واجب تخییری را به شکل واجب مشروط تفسیر کنیم، چه لازمه‌ای دارد؟  
 الف. تعدد التکلیف بزرگ‌تر از الاثرین معاً  
 ب. تعدد الامتثال باین‌ها الا الاثرین معاً  
 ج. عدم جواز الترتیب باحد العدلیین بخصوصه  
 د. عدم تعدد التکلیف فی الاثرین المختلفین
- ۵- اگر قائل به امتناع اجتماع امر و نهی شویم، تلفیق دو دلیل «سنن» و «لا تعصب» در فعل واحد، کدام است؟  
 الف. نواز  
 ب. نمازی  
 ج. نرسد  
 د. نراحم
- ۶- بعضی فائزند «تحریم معامله در برخی موارد مستلزم سبخت» است، کدام مثال مرتبط با مراد ایشان می‌باشد؟  
 الف. لا بیع بوجوه کفیل  
 ب. لا بیع بین الضلایه  
 ج. البیع بدون العقد حرام  
 د. تملیک الکف حرام
- ۷- «سیره عقلاء» و «سیره مشرعه» را به همراه شرایط در ضمن مانی توضیح دهید

۸- بعضی به استاد «عموم تعلیل» در آیه شریفه «إِنْ حَآذَرْتُمْ فَاسْلُكُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ لِيَذُوبَ عَنْكُمْ إِيمَانُكُمْ» استدلال به این

آیه شریفه را برای «اثبات حجیت خبر واحد» نادرست دانسته‌اند، اشکال این عده را توضیح داده، یک نقد بر آن بنویسید.

۹- «ولایت راوی» در حجیت خبر واحد نقه را می‌توان به سه نحو لحاظ نمود، این سه نحو را تبیین کرده، یک نمونه این اختلاف را

بنویسید.

۱۰- چهار احتمال مطرح در روایات «من یبلغ...» را بنویسید.

۱۱- «دلالت تصویری» و «دلالت تصدیقی» را تعریف کرده، توضیح دهید کدام‌یک از دو نوع دلالت و ظهور، موضوع حجیت ظواهر است؟

۱۲- برخی برای عدم حجیت ظواهر قرآن کریم به آیه نهی از اتباع تشابه تسک کرده‌اند، استدلال آن‌ها و یک جواب آن را بیان کنید.

۱۳- «واجب معلق» را در ضمن مثالی توضیح داده، بنا بر نظر قائلین به آن چه نمره‌ای بر آن مترتب می‌شود؟

۱۴- «تخیر نسبی» در واجبات را تعریف کرده، سه خصوصیت آن را بنویسید.

۱۵- مراد از «وجوب نسبی» مقتضی حرمت ضد خاص است» را به همراه مثالی تبیین کرده، استدلال قائلین به آن را بنویسید.

مسئله شماره ۲۱۴۴۳۱ و ۳۰۰۰ اداره سنجش معارف آموزش آماده دریافت پیشنهادات و اشکالات از زبان سوالات امتحانی می‌باشد.  
در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر آدرس امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.



۸- یک دلیل بر «حجیت ظهور» بیان کرده، توضیح دهید موضوع حجیت ظهور چیست؟

۹- در دلالت آیه شریفه نیا بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که شرط محقق موضوع است، اشکال و جواب صاحب کفایه از آن را تقریب نمایید

۱۰- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شیئا من الثواب علی شيء فصنعه کان له و ان لم یکن علی ما یبلغه» را بنویسید

۱۱- برای استدلال بر «عدم حجیت ظواهر قرآن» به روایاتی تمسک شده است که تفسیر به رأی را کفر می دانند، دو جواب شهید صدر را در خصوص این روایات را بنویسید.

۱۲- با توجه به عبارت «الا انه یمكن تصور التوبة لو افترضا ان وجوب القضاء يدور مدار فوات الملاك علی المكلف بعد فرض توبته فی حقه رقم عجزه» نمره اشتراط نفس تکلیف به قنوت و عدم آن را بنویسید

۱۳- شهید صدر در «برای اشتراط تکلیف به قدرت به معنای اغیر» چه برهانی اقامه می کند؟

۱۴- دو خطبات «صل» و «لا تمسب» طبق کدام مبنا قابل اجتماع و طبق کدام مبنا غیر قابل اجتماع هستند؟ نمره هر یک از این مبانی را در بحث اجتماع امر و نهی توضیح دهید

۱۵- آیا «سسخ حقیقی» در احکام الهی امکان دارد؟ به تفصیل توضیح دهید

سازمان پژوهش‌های فقهی و حقوقی امامت و ولایت، پژوهشگاه و انتشارات پیامبر، مقالات امتحان مریدان  
در صورت ارسال پاسخ کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و هماهنگی ضروری می‌باشد.

۸- یک دلیل بر «حجیت ظهور» بیان کرده، توضیح دهید موضوع حجیت ظهور چیست؟

۹- در دلالت آیه تسویه نیا بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که شما محقق موضوع است، اشکال و جواب صاحب کفایه از آن را تقریب نمایید.

۱۰- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شیئا من التواب علی شیء فصنعه کان له و ان لم یکن علی ما یلقه» را بنویسید.

۱۱- برای استدلال بر «عدم حجیت ظهور قرآن» به روایاتی تمسک شده است که تفسیر به رأی را کفر می‌دانند، دو جواب شهید صفیر در خصوص این روایات را بنویسید.

۱۲- با توجه به عبارت «إلا أنه يمكن تصور التوبة لو افتراها أن وجوب القضاء بدور مدار نوات الملاك علی المكلف بعد فرض التوبة فی حقه رغم عجزه»، توبه استرأط نفسی تکلیف به قدرت و عدم آن را بنویسید.

۱۳- شهید صفیر در «برای استرأط تکلیف به قدرت به معنی آنچه برهانی اقامه می‌کند؟

۱۴- دو خطاب «صل» و «لا تعصب» طبق کدام منا قابل اجتماع و طبق کدام منا غیر قابل اجتماع هستند؟ توره هر یک از این مناها را در بحث اجتماع امر و نهی توضیح دهید.

۱۵- آیا «نسخ حقیقی» در احکام الهی امکان دارد؟ به تفصیل توضیح دهید.

«مسئله پنجم کتابت: (۱۳۳۶) آراء علمای معتزله آمودش آمده «واعت پیشه‌ها و انتقادات پیدامون عقائد اهلتمانی می‌باشد»  
«در صورت ارسال پیام کوتاه، بشک که امتحان و شماره مثال به صورت دقیق همت امکان بررسی و هوانگویی ضروری می‌باشد.»

**آسیات عمومی سطح ۲**  
۹۰ دقیقه

نام	.....
شماره	.....
تاریخ	.....

نام	.....
شماره	.....
تاریخ	.....

.....
-------

نام	.....	.....	.....	.....	.....
-----	-------	-------	-------	-------	-------

۱- کدام گزینه از «خصائص نسبه» در قسم احتمال خیر متواتر محسوب می‌شود؟ ص ۱۲۰

الف. سبب و اثبات خبر

ب. سبب و بیان حد خبر

ج. هر دو متواتر خبر می‌باشد

د. مخالفت حد خبر با اعتقاد خبر

۲- اگر قسم موضوع حکم به شد «علم به حکم» را بحال و تقابل اطلاق و تسلیم را تقابل سلب و ايجاب بدانیم، کدام گزینه صحیح خواهد بود؟ ص ۱۸۱

الف. اطلاق معانی و احکام مختص به عالم هستند

ب. اطلاق ضروری و احکام مختص به عالم هستند

ج. اطلاق ضروری و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند

د. اطلاق محال و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند

۳- مورد نزاع اصولیون در موضوع «وجوب مقدمه واجب» کدام است؟ ص ۱۶۵

الف. آیا تقدمات واجب و وجوب بر عین دارند یا نه؟

ب. آیا تقدمات واجب و وجوب علی خبر دارند یا نه؟

ج. آیا تقدمات واجب و وجوب علی خبر دارند یا نه؟

د. آیا تکلیف مستول اجزاء تقدمات علیه و بر عین است یا نه؟

۴- «موانعت» در حجت خبر که باید چگونه ابراهام شود تا خبر شخصی که را سگوسر او معجز است اما قرآنی خبر به صحت خبر او لازم. حجت باشد؟ ص ۱۰۰

الف. خبر معجز است

ب. خبر معصوم

ج. طریق و سبب

د. سبب و سبب

۵- تکلیف مستول اجزاء که در کدام نوع از قیود است؟ ص ۱۸۹

الف. اید و وجوب و واجب

ب. حد و وجوب

ج. حد و واجب

د. حد و موضوع

۶- در فرضی که روایات باهمه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خریدشان شامل عقل به طواهر کتاب نیز بشود، چه نسبتی بین استیفاء منتشره بر عقل به طواهر و «اطلاق روایات باهمه» وجود دارد؟ ص ۱۵۲

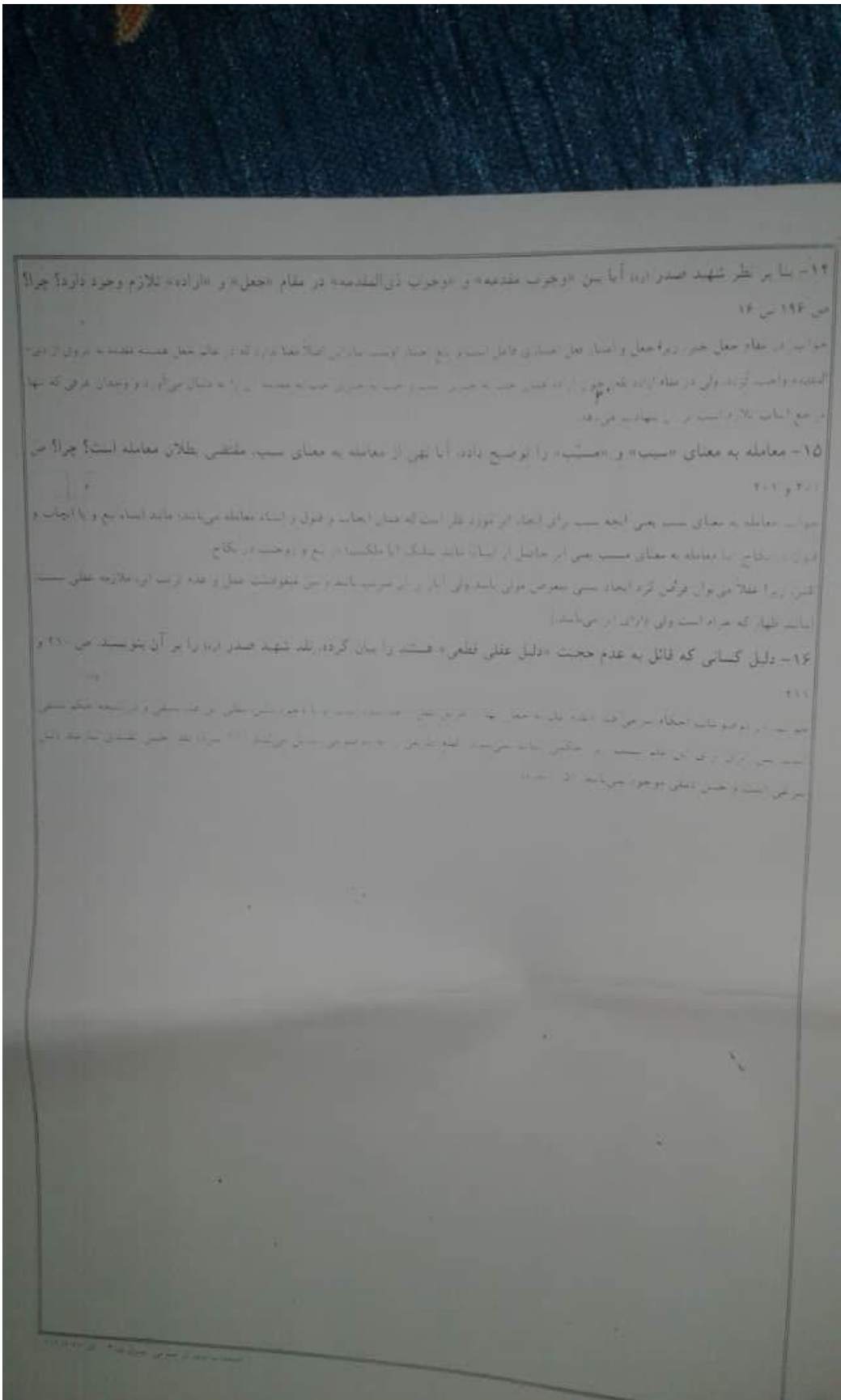
الف. روایات معجز و نقل عقلی است مقدمه بر عقل

ب. روایات معجز از راجع از عقل و مقدمه بر عقل

ج. اطلاق روایات معجز بر عقل است

د. هر دو صرفه بعد اطلاق روایات است

.....



۱۴- بنا بر نظر شهید صدر آیه «أما بين الوجود مقدمه» و «وخرجت ذي المقدمه» در مقام «جعل» و «اراده» تلازم وجود دارد؟ چرا؟  
ص ۱۹۶ س ۱۶

جواب: در مقام جعل خبری، «جعل» و «اراده» فعلی هستند و «وجود» و «عدم» در مقام جعلی هستند. در مقام جعلی «وجود» و «عدم» در مقام فعلی هستند. در مقام فعلی «وجود» و «عدم» در مقام جعلی هستند. در مقام جعلی «وجود» و «عدم» در مقام فعلی هستند.

۱۵- معامله به معنای «سبب» و «سبب کافی» را توضیح داده، آیا بین آن معامله به معنای سبب، منطقی تعلق معامله است؟ چرا؟  
ص ۲۰۱ و ۲۰۲

جواب: معامله به معنای سبب یعنی آنچه سبب برای ایجاد امر مؤثر نظر است که همان ایجاد و قبول است. معامله به معنای سبب کافی و واجب است. در اینجا ما معامله به معنای سبب یعنی امری را می‌بینیم که باعث ایجاد امر دیگر می‌گردد. در اینجا ما معامله به معنای سبب یعنی امری را می‌بینیم که باعث ایجاد امر دیگر می‌گردد. در اینجا ما معامله به معنای سبب یعنی امری را می‌بینیم که باعث ایجاد امر دیگر می‌گردد.

۱۶- دلیل کسانی که فائل به عدم حجت «دلیل عقلی قطعی» هستند را بیان کرده، نقد شهید صدر را بر آن بنویسید. ص ۲۱۱ و ۲۱۲

جواب: در این مورد ما باید به این نکته توجه کنیم که «دلیل عقلی قطعی» به معنای «دلیل عقلی قطعی» است. در اینجا ما باید به این نکته توجه کنیم که «دلیل عقلی قطعی» به معنای «دلیل عقلی قطعی» است. در اینجا ما باید به این نکته توجه کنیم که «دلیل عقلی قطعی» به معنای «دلیل عقلی قطعی» است.

